

در ۳۸ صفحه

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

پهء ۵۰ ریال

سال اول شماره ۲ خرداد ۶۵

مرکز پراپریالیسم
وسگهای زنجیر پیش

بیکاری، بهران و
رژیم مزدور خمینی
صفحه ۱۷


جمهوری اسلامی و امریهائی زنان

برای سرکوب توده ها متوسل شده
سالم است که از سلطه سنگین رهبر حوره ای از زندگی توده ها
جمهوری اسلامی برجامه ما میگردد، رهبر قشر و طبقه ای از اقشار و
سالهائی که خلقهای مادرزیم. طبقات خلق ما از ثمرات سرکوبهای
سایه شوم این رژیم وابسته به ددمنشانه این رژیم در اسکان
امپریالیسم روزگار سختی را نمانده است.
گذرانده و میگذرانند و هر روز تعرض جمهوری اسلامی بر همه
که میگذرد خود را با اشله های دست رده های مبارزات توده ها.
جدیدی از وحشیگری و سرکوب رژیم و سرکوب لجام گسیخته و خونین
این مبارزات در حالیکه در جهت مواجهه می بینند.
جمهوری اسلامی در این مدت به وسیله ای حفظ و تحکیم پایه های نظام
در صفحه ۲

جنگ و آوارگی

نزدیک به ۶ سال است که در
سراسر ایران با پدیده ای به نام
آوارگان جنگ روبرو هستیم. جنگ
ویرانگر و ضد خلقی ایران و عراق
تنها در ایران بیش از ۲ میلیون
نفر آواره کرده است. اینها
خانه و کاشانه ویران خود را رها
کرده اند و سرگردان و آواره شهرها
و روستاهای دیگر شده اند. اگر
در طول ۶ سال جنگ، مردم ایران
فقیر و فلاکت و گرانی و بیکاری
رابطه تمام وجود خود حس کرده و
در لحظه لحظه زندگی خودشان آن
دست به گریبان بوده اند، در
در صفحه ۵

اطلاعیه
چریکهای فدائی خلق ایران بنامت شهادت
چریک فدائی خلق پیشمرکه قهرمان
رفیق مرتضی مداح (۱۳۳۷ هجری قمری)
خلیقهای مبارز ایران!
در تاریخ ۶۵/۲/۳۰ رفیق
مرتضی مداح (کاک شهاب) یکی
از پیشمرگان رزمنده سازمان
مادر اثر حادثه ناگواری (سرق
گرفتگی) جان خود را از دست داد
و به تبار شهیدائی پیوست که
زندگی خود را در راه والای خلق
و تحقق آرمانهای انقلابی خویش
صرف کرده اند. بقیه در صفحه ۱۵



صفحه ۳۱ اخبار
نصفه آخر
دفاع شرمگینانه
از فاجعه ۴ بهمن (۲)

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران
در مورد عملیات مین گذاری
مفحه آخر
حزب دمکرات و جبهه
دمکراتیک ضد امپریالیستی!

شهادت خردان ماه
چریکهای فدائی خلق ایران
صفحه ۲۶

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

جمهوری اسلامی و امردهائی زمان

سرمایه‌داری وابسته در ایران قرار دارد، به مفهوم انتقام امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته از توده‌های قهرمان مانیزهست. انتقام از توده‌های قهرمانی که با خیزش انقلابی خود، شاه‌ایسن یکی از دست‌آموزترین سگان زنجیری امپریالیسم را از ایران فراری دادند.

مردم مادر جریان رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی خویش شرایط بسیار دشواری برای نیروها و طبقات ضد انقلابی بوجود آورده بودند تا آنجا که شاه بعنصوان سمبل آنروزی بورژوازی وابسته مجبورگشت علیرغم تمام کبر و غرور ارتجاعی که همیشه در مقابل مردم از خود نشان داده بود، گریان و لوزان در انظار رتبه‌ها ظاهر شود و با اظهار ندامت بگوید "من پیام انقلاب شما ملت را شنیدم" مسلما اینان کسه آنروردر مقابل از جگیری مبارزات توده‌ها اینچنین به حقارت و بزنی خویش اعتراف میکردند، کینه بزرگی هم از مردم مبارزما بدل میگرفتند و حال که بنا به دسیسه نواستعماری امپریالیسم و فریب توده‌ها امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته رژیم مطلب خود در این شرایط یعنی جمهوری اسلامی را بر سر کار آورده‌اند بسیار طبیعی است که آنها انتقام ضربات مهلکی که از

انقلاب خلقهای ستمدیده ایران متحمل شده بردند را از خلقهای ما بگیرند.

برای سرکوب خلقی که به صورت میلیونی بپا خاسته و بپا شرکت وسیع خویش در انقلاب لریه براندام امپریالیسم انداخته بود، برای درهم شکستن روحیه انقلابی خلقی که در جریان هرچه رادیکالیزه‌تر شدن مبارزاتش تجربیات هرچه بیشتری برای مقابله با دشمنانش به دست میآورد، ضد انقلاب میبایست به خشن‌ترین

حمایت از مبارزه زنان برای پرولتاریاست و زنان نیز پیشوای واقعی رهاشی خویش را در کارگران میدینند که از تساوی کامل حقوق زن و مرد دفاع می نمایند.

و خرنین‌ترین وجه اقدام کند و با ددمنشانه‌ترین شیوه‌ها به سرکوب توده‌ها پردازد. برای این منظور وسیله‌ای بهتر از جمهوری اسلامی دردسترس نبود. جمهوری اسلامی که سوار بر توهم توده‌ها و بالقافه ایدئولوژیکی مذهب به میدان آمده بود؛ شمشیری آخته بر کمرداشست و از ردالت غیرقابل وصفی برای کاربرد این شمشیر برخوردار نبود. امپریالیسم و بورژوازی وابسته میبایست جمهوری اسلامی را بر سر کار آورند تا با اعمال وحشیانه‌اش روحیه انقلابی توده‌ها را خرد نماید، دستاوردهای انقلابیشان را پس گیرد و با نابودی تشکلهائی

مبارزاتیشان جزیره "ثبات و آرامش" و نظم بورژوازی دلخواه را دوباره مستقر گردانند. بنا بر این لازم بود که تمامی اقشار و طبقاتی که در انقلاب وسیعاً شرکت داشتند شدیداً سرکوب گردند تا دوباره زنجیرهای پندگی و اسارت محکمتر از قبل به دست و پای آنها سنگینی کند و در این میان زنان قهرمان ایران نیز میبایست به اعتبار شرکت فعالانه و وسیعشان در امر انقلاب برای رسیدن بسنه آزادی، آماج ضربات و گلوله‌های ضد انقلاب جمهوری اسلامی قرار گیرند؛ بخصوص این ضرورت ضد انقلابی در شرایطی مطرح بود که به دلیل وابستگی نظام اقتصادی-اجتماعی

رهاشی وظیفه تخطی ناپذیر پرولتاریاست و زنان نیز پیشوای واقعی رهاشی خویش را در کارگران میدینند که از تساوی کامل حقوق زن و مرد دفاع می نمایند.

ایران به سیستم جهانی امپریالیسم، بورژوازی وابسته ایران در چنبره بحرانهای امپریالیستی گرفتار آمده بود و برای خروج از این شرایط و نجات از بحران آماده بود به همه گونه وحشیگری و همه نوع جنایت دست یازد.

بورژوازی وابسته برای سرکوب زنان مبارز ایران از همان ابتدا با برنامه ریزی حساب شده‌ای توجیهات مذهبی را بخدومت گرفت و زیرلغافه اعتقادات مذهبی شروع به محدود ساختن حقوق زنان ستمدیده ماکرد و تا آنجا پیش رفت که حتی به همان حداقل حقوقی هم که زنان در رژیم

گذشته بدست آورده بودند بیورش
برد و با محروم کردن انسان از
حقوق بدیهی شان قید و بند همنای
بیشتری به دست و پای زنان زد .
برای این بورژوازی و رژیم
منحوس جمهوری اسلامی که بنا به
الزامات شرایط بحرانی در همان
ابتدا سه میلیون کارگر را از کار
اخراج نمودند بدون آنکه
هیچگونه تمهیدی را نسبت به زندگی
آنها پذیرا شوند ، مسلما اخراج
زنان از کار ، با لفاظی های مذهبی
توجیه خوبی بدست آنها میداد و
باعث میشد که عامل اخراج زنان
نه سیستم سرمایه داری وابسته
بحران زده بلکه اعتقادات مذهبی
سردمداران حاکم تلقی گردد .
بورژوازی وابسته و رژیم منحور
جمهوری اسلامی در سالهای اخیر ،
برای سرکوب زنان مبارزان
آنچه از توان و سمیت در چنته
داشتند بکار برده و دیده ریزی
متوسل شدند تا نیروی انقلابی
زنان زحمتکش را که در ۱۷ شهریور
خونین قهرمانانه در مقابل
کلونهای موبیل امپریالیسم
وسگ زنجیرش شاه ، سینه سپر
نموده و همپا و هندوش برادرانشان
در قیام بهمن شرکت نموده بودند
را تضعیف ، سرکوب و نابود سازد .
پس کوشیدند با تحمیل با منسلاخ
حجاب اسلامی و با محبوس کردن
آنان در کیسه های بی قواره و
ترفندهای ارتجاعی دیگر از

این قبیل و همچنین با تدریس
قوانین ارتجاعی ، به انحسار
مختلف از شرکت زنان در امور
اجتماعی جلوگیری نمایند . یک
روز حق قضاوت را از زنان سلب
کردند و روز دیگر آنرا با
"هردیف" دیوانگان و ناقص المظالم
توار دادند ، یک روز زنان به
بها نه شعاع مورد کثیف ترین
توهینات و تحقیرات قرار گرفتند
و روز دیگر (با توجیه کشف
رئیس جمهور ۱۱ مکتوبی بمناسبت
همان بنی صدر احق) به بهانه
اشاعه اخراج مخصوص از موی سرشان
مجبور به استفاده از روسری
گشتند و عمال امپریالیسم
وقاحت را در این زمینه به آنجا
رساندند که کشتن سرخیا بانها
شمار میدادند با روسری یا توبری
و با رژیم در مقابل مقاومت
قهرمانانه زنان و حشیا نسبه در
خیابانها به آنها یورش بردند و
فحیح ترین محنه های ممکن را به
نمایش گذاشتند . از اسیدپاشیدن
به روی زنان تا حمله به
آنها در مجامع مختلف ، از
سنگبار کردنشان تا شلیخ تریس
رنگار در ملا عام و سرانجام طرح
ایجاد اردوگاههای مخصوص برای
زنان بد حجاب ، ، اینها اقدامات
و اعمال وحشیانه ای است که جمهوری
اسلامی در مقابل زنان مبارز ما
انجام داده و به این وسیله
دشمنی آشکار خویش را با مبارزه
دمکراتیک و فدا مپریالیستی زنان

میهن ما هر چه روشنتر وریسان
ساخته است .
اما اگر سردمداران رژیم
میکوشند تا این اقدامات
سرکوبگرانه و وحشیانه را ناشی از
باصلاح اعتقادات مذهبی خویش
جلوه دهند ، زنان مبارز ما
نصاب فریب این ریاکار بهنای
ابلیهان را خورده و اعمال رژیم
را در مورد زنان بحساب ادعای
مذهبی او بگذارند ، اینکه چرا
رژیم تا بدین حد به سرکوب
زنان جامعه اهمیت میدهد و این
چنین وحشیانه به سنت کسردن
زنجیرهای دست و پای آنان مشغول
است ، از ما نیست مذهب و وابسته
به امپریالیسم جمهوری اسلامی
را الزاماتی ناشی میشود که
همانطور که گفته شد با اینسال
کردن دستاوردهای مبارزات
توده ها و خود کردن روحیه انقلابی
آنان را در صدر برنامها فدا انقلاب
قرار داده است با بدبها بین واقعیت
ترجه کرده که زنان نیمه سی از
جمعیت جامعه ما را تشکیل میدهند
و هر قانون و مقررات ارتجاعی که
در مورد آنان اتخاذ شود ، مشتمل
بر ترمیمی از جمعیت ما خواهد بود
یا بعبارت دیگر ترمیمی از زحمتکشان
جامعه و ادراکات خود خواهد
گرفت . بنا بر این سرکوب
زنان به مفهوم سرکوب نیمه سی از
جمعیت خلقهای تحت ستم ما است
این یک طرف مسئله میباشد که
سرکوب زنان را در شرایط بحرانی

مرك بى امپريالىسم و سنگهاى زنجير پيش

است .
 حال اگر در نظر بگیریم که تاریخ رسالت ایجاد جامعه سوسیالیستی رسالت ختمان سوسیالیسم را بعهده طبقه کارگر نهاد و این طبقه کارگر میباشد که گورکن سرمایه داری و سرمایه داری است پس میتوانیم درک کنیم که رهایی زنان بدون رهایی کارگران از قید سرمایه ممکن نیست . در عین حال مبارزه زنان برای تأمین حقوق دیکراتیک خود در جامعه سرمایه داری علاوه بر مبارزه ای که زنان کارگر بعنوان بخشی از طبقه کارگر علیه سرمایه داری انجام میدهند ، در خدمت سوسیالیسم قرار دارد و بنا بر این پرولتاریا وظیفه دارد هر چه وسیعتر بسعه دفاع از زنان سرخیزد . به این ترتیب پیوندی عمیق بین مبارزه دیکراتیک زنان برای کسب حقوق مساوی با مردان و رسیدن به آزادی با مبارزه کارگران برای نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم بوجود می آید .

حمایت از مبارزه زنان برای رهایی وظیفه تخطی ناپذیر پرولتاریاست و زنان نیز پیشوای واقعی رهایی خویش را در کارگران می بینند که از تساوی کامل حقوق زن و مرد دفاع می نمایند . تشکیل نیمی از جامعه از زنان ، مبارزه آنها برای رهایی و پیوند ناگسستنی این مبارزه با مبارزه بر علیه جامعه امپریالیسم و سگهای زنجیریش در ایران آنچنان شرایطی را بوجود آورده است که باید تاکید نمود ، هیچ انقلاب

محیط خانه و آشپزخانه عیبها شند . اساسا در نظام سرمایه داری تلیزفم آنکه نیاز استثمار نیروی گسار برای سرمایه داران با عیبها آن میشود که زنان از کسب آسپزخانه بیرون بیایند و ای ما هیت استثمارگران و غارتگران این نظام اولاً مکان اشتغال همه زنان را در کارهای بزرگ تولیدی نمیدهد و ثانیا بر روزاوی سرمایه آنجا تیکه منافع را ایجاد میکند ، برای به بند کشیدن هر چه بیشتر جامعه ، در حفظ قیودات فتودالی میگوید . لذا تحت روابط

..... تحت روابط سرمایه داری زنان هرگز نمی توانند از حقوق مساوی با مردان برخوردار شوند . برای تأمین حقوق مساوی با مردان و به عبارت دیگر برای آزادی زنان باید زمینیه مادی آن که همانا وجود " اقتصاد بزرگ سوسیالیستی " است بوجود آید .

در ایران نیز که مالهاست تحت سلطه امپریالیسم بوده و نظام سرمایه داری وابست در آن حاکم است ، جدا از همه ستمهایی که به همه اقشار و طبقات جامعه وارد میشود ، به زنان ستمی بیشتر و گرانتر یعنی ستم مضاعف اعمال میگردد . زنان زحمتکش جامعه ما از طرفی تحت استثمار پروروازی قرار دارند و در نتیجه بخشی از نیروی کارشان به این ترتیب غارت میشود و از طرف دیگر در چارچوب فرهنگ حاکم و قیودات فتودالی و فرهنگ عقب مانده موجود در جامعه وسیعاً اسپر روابط خانوادگی موجود ، همچون " بردگان خانگی " مجبور به فعالیتی مستمر و خسته کننده در

کنونی برای رژیم از اهمیت خاصی برخوردار کرده است ، از طرف دیگر باید بدانیم که رژیم با این سرکوبها در اتحاد مبارزاتنی مردان و زنان جامعه شکاف میان دازد و میکوشد نیروی پر توان این اتحاد را مهار سازد ، امری که رژیم حتی از تصور آن لوزه بر انداش میافتد .

بطور کلی ستم بر زنان در یک جامعه طبقاتی همواره وجود داشته و تا زمانی هم که مالکیت خصوصی همچنان حفظ شود وجود خواهد داشت .

در ایران نیز که مالهاست تحت سلطه امپریالیسم بوده و نظام سرمایه داری وابست در آن حاکم است ، جدا از همه ستمهایی که به همه اقشار و طبقات جامعه وارد میشود ، به زنان ستمی بیشتر و گرانتر یعنی ستم مضاعف اعمال میگردد . زنان زحمتکش جامعه ما از طرفی تحت استثمار پروروازی قرار دارند و در نتیجه بخشی از نیروی کارشان به این ترتیب غارت میشود و از طرف دیگر در چارچوب فرهنگ حاکم و قیودات فتودالی و فرهنگ عقب مانده موجود در جامعه وسیعاً اسپر روابط خانوادگی موجود ، همچون " بردگان خانگی " مجبور به فعالیتی مستمر و خسته کننده در

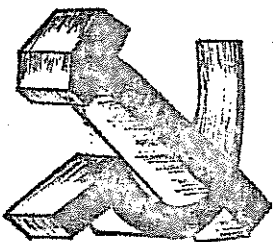
جمهوری اسلامی و امرهای زن
از صفحه ۴

توده‌ای راستین نمی تواند وجود داشته باشد مگر اینکه زنان زحمتکش و سیعا در آن شرکت جویند و دقیقاً این شرکت وسیع است که به یکی از شروط پیروزی این انقلاب تبدیل میشود.

با این تفکرات که چریکهای فدائی خلق ضمن حمایت قاطع از تساوی کامل حقوق زن و مرد و ضمن اینکه رهائی زنان را در رهائی کارگران و استقرار سوسیالیسم می بینند همه زنان زحمتکش میهنمان را به متشکل شدن حول پرچم سازمان برای مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و گذار به سوسیالیسم، فرا می خوانند.

مسئولیت میکند و مسئولیت را بعهده نهاد دیگری میاندازد و این دورزدن در دایره پوچ تا بینهایت ادامه دارد. بیگانه‌ها مقیم یکی از شهرکهای احوال در جواب خبرنگار روزنامه کیهان که از وی میپرسد

←



آنها خودداری مینماید. آوارگان جنگی با هروسيله‌ای کسه در دسترشان بوده به ایجاد سرپناهی برای خود و خانواده‌شان اقدام کرده‌اند. با قوطیهای روغن نباتی، با حصیر، با وسائل از کار افتاده و فرسوده ادوات جنگی و... بعد رژیم جمهوری اسلامی از طریق سازمان مسکن و شهرسازی و شرکت نفت و غیره در بعضی نقاط شروع به ساختن ساختمانهای برای آوارگان نمود. اکثر این ساختمانها نیمه‌تمام هستند و بسیاری ترجیح دادند که به کپرها روی بیاورند. تقریباً تمام شهرکها و اردوگاههای آوارگان جنگی اردوگاهها و مشکلات یکسانی رنج میبرند. نبود بیمارستان و یا حتی درمانگاه سیار، عدم بهداشت، عدم وجود آب آشامیدنی سالم، برق و مهمتر آنکه بیکاری مزمن و وسیع ۶ سال است که گریبان آوارگان را گرفته است. انواع واقسام بیماریهای انگلی و پوستی و بیماریهای ریوی و کلیوی که ناشی از عدم وجود پزشکی و بهداشت در این شهرکها است به امری عادی و معمولی تبدیل شده است و هیچکدام از مسئولین ارگانهای ضد خلقی نیز کوچکترین توجهی به این مسئله ندارند. پاسکاری ارباب رجوع در ادارات دولتی و وزارتخانه‌ها در اینجا نیز دقیقاً در رابطه با آوارگان جنگی اعمال میگردد. خواسته‌های بحق توده‌های جنگزده توسط مزدوران رژیم، با صلاح پشت گوش اندخته میشود. فلان ارگان در مقابل خواست مردم از خود سلب

مورد آوارگان جنگی این مصائب و مشکلات بصورتی مضاعف جلوه‌گر شده است. اکثریت قریب به اتفاق این آوارگان در طول این چند سال یا بیکار بوده‌اند یا به کارهای موقت و کاذب پرداخته‌اند و تنها از طریق مستمری بسیار ناچیزی که از سوی ارگانها و نهادهای ضد خلقی در اختیارشان قرار داده میشود خود را از دسترس مرگ دور نگاه داشته‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی پس از شروع جنگ امپریالیستی، ارگانها و نهادهای را تحت نام بنیاد جنگزدگان و جهاد سازندگی بر سر جنگ زدگان خراب کرده در حقیقت وظیفه چپاول و غارت آوارگان را برعهده دارند. از همان مقدار بودجه‌ای که دولت در طی این چند سال به امور جنگزدگان اختصاص داده است بخش عظیمی توسط مسئولین این ارگانها و نهادهای جیب‌گشا دست اندرکاران و سران مزدور جمهوری اسلامی سرازیر شده است که در مواردی هم که بر اثر تضادهای درونی رژیم این دزدیها آشکار شده معلوم گشته است که آنچنان میبالغ بزرگی توسط این مزدوران حیف و میل شده که رژیم مزدوران ناچار از تعویض این یا آن مسئول ارگان شده است. در استانهای جنوبی، جنگزدگان از وضعیت بسیار بدتوی برخوردارند و رژیم جمهوری اسلامی نیز بنا به ماهیت پلید و ضد خلقی خود زادان کمترین امکاناتی به

مشاهده می کنی که آزمایای آن بشمار می رود. بگفته اها لسی بعنوان تختخواب از آن استفاده میشود! (همانجا) یکبار آن مردک عوا مفریب خونخوار گفته بود که "این کوخ نشینها بودند که انقلاب کردند" و عوا مفریبانه میخواست اینطور وانمود نماید که بفکر زحمتکشان میباشداکنون شوخی (یادرام) تاریخ را ببینید که همان "کوخ نشینها" ساکن قبرستانها شده اند و بدون کوچکترین اغراقی میتوان مدعی شد که تمام مانی کارگران و زحمتکشان میهن مانیز از لحاظ فقرو تنگدستی و بی حقوقی و ظلم رستم چیزی از اینها کم ترند. گورستان نشینها کم ترند از رستم بدنیست بدانیم که شیخ فوق الذکر در قلب شهر سوسنگرد واقع است و از هیچگونه امکان رفاهی و پزشکی نیز برخوردار نمی باشد.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به کوچکترین مسائل توده ها و بخصوص آوارگان جنگی، در برابر خواست های عادلانه آنها تنها فشار و اراغاب را افزایش میدهد و بدین سان است که میتوان از زبان آن آواره جنگی که آرزوی مرگ خود را میکند و یا آن آوارگانی که از قیر مردگان به عنوان تختخواب استفاده میکنند پی به وضع زندگی فلاکت بار آنان برد. مردم جنگزده و آواره اکنون بحق جمهوری اسلامی را عامل تمام بدبختی ها و مصائب خود

اینهمه بدبختی و فقر و فلاکت و فشار رژیم مزدور جمهوری اسلامی را ندارد، از زندگی سیر شده و آرزوی مرگ خود را میکنند تا شاید با مرگ بتوانند از زندگی نکبت بار خود رهایی یابد و لازم به یاد آوری است که همین فشارهای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر آوارگان جنگی در طول این چند سال باعث بالرفتن درصد خودکشیها در بین این مردم محروم

مردم جنگ زده و آواره اکنون بحق جمهوری اسلامی را عامل تمام بدبختی ها و مصائب خود میدانند و با اشکال مختلف با آن به مبارزه بر می خیزند.

گردیده است و جالب تر آنکه شهرکهای که مورد بازدید خبرنگار کیهان قرار گرفته است به نقل از خود این مزدور "بایستی بعنوان مناطقی ممتاز و مرفه مهاجر نشین به حساب آورد" (همانجا) برای آنکه معنی "مناطق ممتاز و مرفه" را در قمار موس جمهوری اسلامی بهتر دریابید نقل قسمتی دیگر از سخنان این مزدور در همان مقاله لازم می آید تحت عنوان شهرکی در قبرستان سوسنگرد مینویسد "۶۰۰ چادر که بوسیله کپر و "بوریا" برپا نگهداشته شده اند بعنوان آلتونکها و آشپزخانه های این آوارگان بشمار میروند و اگر بخواهیم وارد اصطلاح اطلاقهای آن که بیشتر به دخمه شبیه اند بشویم بایستی تا کمر خم شویم و در داخل یک گور و قبر سیمانی را

زندگیت چگونه میگذرد پاسخ میدهد: "این آوارگی و بدبختی برایمان عادت شده است، زیاد گفتیم و خواهش کردیم بما برسند و کاری بدهند، حداقل به جوانان و فرزندانمان تا از این جامعه زده نشوند و لبه دیگر خسته شده ایم بگوئیم" وی سپس برای آنکه مبادا از سوی مزدوران رژیم برجسب "ضد انقلاب" بخورد

می افزاید: "ما همه پیرو امامیم، منظورمان از این حرفها این نیست که خدای ناکرده بخواهیم بر علیه انقلاب و اسلام حرقی بزنیم، میخواستیم بدانیم چه دستاوردی وجود دارند که در بین این قشر زجر کشیده و آواره این همه تخم یاس و نومیدی میکارند؟ آخر ۵ سال همه اش وعده و وعید بس است. هر روز مسئولی از بنیاد میاید و میگوید وضعیتان خوب میشود، آخر ما نمیدانیم این وضع کی خوب میشود! شاید با مرگ ما و عثمان سروسامان بگیرد، خدا میداند."

(کیهان ۹ اردیبهشت ۶۵) مروری بر مسائل و مشکلات مهاجرین جنگی مستقر در خوزستان)

آری! این چنین است که آواره این جنگ ضد خلقی که دیگر تحمل

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق

دفاع شرمگینانه از فاجعه ۴ بهمن (۲)

عرضه کنند، مینویسند :
 "به اعتقاد ما یگانہ پاسخی
 اصولی که در این اوضاع و احوال
 می بایستی به این واقعه داده
 میشد این بود که گروهها و
 سازمانهای سیاسی قبل از هر چیز
 این دو جریان را مجاب می نمودند
 که به درگیری مسلحانه خود
 خاتمه داده ، در عین اینکسه
 آنها را به ادامه مبارزه خود به
 شکل سیاسی (ونه لزوما در درون یک
 تشکیلات) ترغیب و تشویق
 می نمودند و یا " از این
 روست که با وظیفه محوری و اساسی
 نیروهای سیاسی را در چنین شرایطی
 این میدانیم که دنیای سروری
 متخاصم را به قبول رعایت اصول
 دموکراتیک و ادامه مبارزه خود
 در شکل سیاسی اش واداشته و . . .
 اولاً رفقا باید بدانند که
 این " یگانہ پاسخ اصولی"
 و "وظیفه محوری و اساسی"،
 اولین بار توسط آنها کشف و عرضه
 شده است . نخستین بار و خیللی
 پیش از آنکه این اعلامیه توسط
 رفقا منتشر شود ، اطلاعیه چریکهای
 فدائی خلق منتشر در تاریخ ۸
 بهمن ۴۴ از اذعان مبارد کسه
 " بدون شک برخورد اصولی آن بود
 که بدون دخالت نیروهای دیگر و
 طرف پایدیرش راه حلهای
 مسالمت آمیز و عدم توسل
 به سلاح ، خود به حل سیاسی
 مسائل فیما بین اقدام نمایند ."
 ثانیاً بایست به نظر رفقا رسانند
 که تنها اشکال و ایراد این

از صفحه آخر

" یگانہ پاسخ اصولی" و "وظیفه
 محوری و اساسی" در آن " اوضاع
 و احوال" نامیسر بودن و غیر
 عملی بودن آن بود ، همانطور که
 اطلاعیه چریکهای فدائی خلق
 نیز با آگاهی کامل برای مسئله
 بود که ادامه میدهد " . . . اما
 سیر وقایع با توجه به حوشتی
 که ریخته شده و عصبیتهای
 موجود ، نشان میدهد که فساد
 چنین شرایطی فراهم نیست
 اما شاید بهتر میبود علامگان
 دهر هنگامی که این چنین " قاطبانه"
 ولی ذهنی در مورد " یگانہ پاسخ
 اصولی" در مورد مسئله فوق الذکر
 نظر میدهند ، در نظر داشته باشند
 که در واقعیات زنده و جاری ، در فضای
 مملو از خشونت و عصبیت و
 خونریزی آنزمان نه تنها
 دوجناح متخاصم به هیچ وجه
 حاضر به مذاکره و گفتگو با
 یکدیگر نبودند بلکه تشنج موجود
 بحدی بود که مدتها پس از ۴ بهمن
 " شورای عالی" از کشف کلت و
 چاقو و پنجه بوکس در زندان فراد
 جناح مقابل جهت ایجاد
 درگیری جدید صحبت میکردند
 (رجوع شوده نامه شورای عالی
 به کمیسیون تحقیق اتحادیه
 مین کردستان بتاريخ ۳ بهمن ۴۴)
 بنا بر این با وجود چنین فضای
 ناسالم و عصبیتهای هیستریکی که
 بدون شک رفقا هم از آن مطلع
 بودند ، روشن میگردد که " یگانہ
 پاسخ اصولی" و "وظیفه محوری
 و اساسی" از لحاظ واقعی تا چه

اندازه میتوانست در آن " اوضاع
 و احوال" مادیت یافته و بسه
 حقیقت مبدل گردد .

همانطور که گفته شد اعلامیه
 نیروهای سیاسی را به دخالت
 آشکار در مسائل درونی اقلیت
 متهم میکند و مبنای لشکرکشی
 خود بر علیه این نیروها را ظاهراً
 طرح و تشکیل کمیسیونی جلوه
 میدهد که گویا به بهانه بحث و
 بررسی پیرامون درگیری و شناخت
 عاملین آن ، با ایجاد جو فشار از
 جانب این نیروها به طرفین
 درگیر بوجود آمد . " کمیسیون"
 برگ برنده ایست که اعلامیه
 میکوشد با برجسته کردن آن ، با
 تحریف در محتوا و چگونگی تشکیل
 آن ، بابه ریشخند گرفتن آن ،
 به اصطلاح دخالت این نیروها را
 در مسائل درونی سازمان اقلیت
 توضیح دهد . بدنیست فاکتورها و
 استدلال رفقا را در این رابطه
 بررسی کنیم ، در اعلامیه آمده
 است :

" بدنیال درگیری ۴ بهمن ماه و تا
 آنجا که به برخورد در مورد
 واداشتن دنیوی درگیر به ترک
 مخاصمه و پایان دادن بسه
 زد و خوردهای مسلحانه مربوط
 میشود ما هیچ بحثی نداریم و
 آن رایک وظیفه انقلابی میدانیم .
 اما هنگامی که نیروهای سیاسی
 پارا از این حد فراتر نهمانده و
 شروع به دخالت آشکار در مسائل
 درونی این سازمان نمودند ،
 این دیگر با هیچ مجوزی قابل
 توضیح نیست . کمیسیونی با شرکت
 برخی نیروهای سیاسی تشکیل
 میشود تا ضمن بحث پیرامون

دخالت در مسائل درونی سازمان اقلیت متهم نمایند و از اینروست که از هیچگونه برچسب زنی و توهم پراکنی بی مورد و غیر مسئولانه به این نیروها ابائی ندارند. درست بعد از چنین حمله‌های ناشیانه ایست که رفقا به‌خوبه می‌آیند و ادامه می‌دهند: "هیچ شکی نیست که منافع جنبش ایجاب می‌نماید در رابطه با درگیری مسلحانه ایکه در سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) رخ داده است سازمانهای سیاسی دخالت (؟) نمایند و مانع گسترش آن گردند." (پرانتر از ما ست) شایدهم دیدرفقا از این نوع "دخالت" یا باصطلاح در فاجعه ۴ بهمن و زدوخورد جناحهای مخالف درون اقلیت بتوسط سازمانهای سیاسی صورت گرفت متفاوت باشد. اولی از نوع دخالتهای "دمکراتیک" و نا "آشکار" و دومی در شمار دخالتهای "آشکار" و "فددمکراتیک" محسوب میشوند. ای کاش رفقا هنگامی که مطرح میکنند "اما در این کشاکش وظیفه نیروهای سیاسی این نیست که به بهانه پیدانمودن عاملین درگیری و روشن نمودن عاملین آن برتوقف فعالیتهای سیاسی سازمان مزبور صحه بگذارند..." جدیدیت و شهادت این راداشتنده که با درآمدن از دنیای کلی گروشی و مبهم گویی و باروشن کردن این

تبادل نظر پرداخته و پیشنهادات خود را ارائه دهند در اینصورت رفقای ارتش رهائی بخش خلقهای ایران خواه ناخواه به شکلی از ساده‌ترین گردهمایی یعنی کمیسیون میرسینند، مگر اینکه رفقا درک دیگری از این "هیولا" داشته باشند.

دوم اینکه اگر احتمالاً از رفقا پرسیده شود که با استناد به کدام فاکت‌های محکم و روشن ادعا میکنند که نیروهای سیاسی پارا از حد مورد نظر آنها که در بی‌مسئولانه شرح رفت "فرا تر" گذاشته و شروع به "دخالت آشکار" در مسائل داخلی اقلیت کرده‌اند؟ اگر از رفقا سوال شود که گذشته از تناقض گفتار آنها، از لحاظ اصولی چه ایرادی به تشکیل یک کمیسیون برای حل مسائل مورد مشاجره و اختلافات سیاسی در این موارد وارد است؟ و اگر سوال شود که "عملکردهای این کمیسیون و اهداف آن" چه بوده که به این باصطلاح روشنی بیانگردد "تمایلات واقعی و عملی نیروهای شرکت کننده" در آن باشند؟ و این "تمایلات واقعی و عملی" نیروها کدام است؟ به هیچ پاسخ روشنی بر نمی‌خوریم، و حقیقت را هم نخواهیم مساله نویسندگان اعلامیه روشن کردن این مسائل نبوده بلکه آنها بدور از تمام حقایق و باز برپا گذاشتن اصول از این موضع حرکت کرده‌اند که نیروهای سیاسی مختلف را به

این درگیری و مشخص نمودن عاملین آن راه حلی برای آن پیدا کنند. با نظری بر عملکردهای این کمیسیون و اهداف آن بخوبی تمایلات واقعی و عملی نیروهای شرکت کننده در آن آشکار میگردد. نخست باید توجه رفقا را به تناقض کوچکی در گفتار خودشان جلب کنیم. هنگامیکه رفقا مطرح میکنند که "یگانه پاسخ اصولی که در این اوضاع و احوال می‌بایستی به این واقعه داده میشد این بود که گروه‌ها و سازمانهای سیاسی قبل از هر چیز این دو جریان را مجاب مینمودند که به درگیری مسلحانه خود خاتمه داده و در عین اینک آنها را به ادامه مبارزه خویش به شکل سیاسی و نه لزوماً در درون یک تشکیلات ترغیب و تشویق مینمودند، اصولاً میبایست شکل مشخصی هم برای این عمل سازمانها یعنی "مجاب" نمودن این دو جریان به مبارزه سیاسی و پیش‌بینی و مشخص کنند، در این صورت وقتی از نیروهای سیاسی میخواستند با "اعمال اصول دمکراسی در مبارزه سیاسی و ایجاد شرایط مساعد جهت بیان آزادانه نظرات، فعالیتها و تبلیغات سیاسی برای طرفین درگیری" به "مهمترین وظایف" خود عمل کنند، و اگر قرار بود به این منظور آن سازمانها به

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیزم نیست



ادعا بر اساس دلائل محکم و مستند نشان دهند که کدام نیرو بر توقف فعلیتهای سیاسی این سازمان، "صحه" گذاشته است؟ اما متاسفانه این انتظار در سایه‌ای از بی مسئولیتی و ادعاهای پوچ و بی محتوا و فادپا به و اساس خاص شیوه برخورد اعلامیه گم میشود. بدین ترتیب نویسندگان اعلامیه به جای توضیح و حل قضیه، آشکارا با توسل به این شیوه‌های مذموم برخورد، به ایجاد توهم در "افکار عمرمی جنبش" و "مشوب نمودن اذهان" میپردازند.

همچنان که قبلا اشاره شد، در رابطه با مسئله "کمیسسیون" گذشته از زوایائی که توضیح داده شد، رفقا در بیان حقایق زیدادهای مربوط به تشکیل کمیسسیون و محتوا و عملکرد آن بر طبق عادت قلب مسائل طرح تحریف آمیز و مغرضانه آنها هی کوشید اینطور وانمود سازند که نیروهای سیاسی کوشیده‌اند با ایجاد جو فشار طرفین درگیری را اداوار به قبول کمیسسیون تحقیقی بکنند که دست آنها را برای دخالت در مسائل درونسی اقلیت با بگذارد. در این مورد اتفاقا نویسندگان اعلامیه کوشیده اند ادعای خود را با فاکت با صلاح مستند به اثبات برسانند که متاسفانه بازکاری جز آب در ها و کوبیدن انجام نداده‌اند می‌نویسند: "و همانگونه که ما گفتیم اگر مسئله بر سر داشتن دو طرف خاصه به پایان درگیری و ادامه مبارزه بشکل سیاسی اش بود، بی شک مانیز

تا اید می نمودیم. اما واقعیت این است که گروههای شرکت کننده در "کمیسسیون تحقیق" (تاکید از ماست) روش عکس این قضیه را دنبال نمودند برای مثال به اطلاعیه شماره ۴ "شورای عالی سازمان چریکهای فدائی خلق" مراجعه کنید، در آنجا آمده است: "دارودسته توکل علی‌رغم آنکه تحت فشار نیروهای انقلابی با تشکیل کمیسسیون مرکب از....." اطلاعیه شماره ۴ شورای عالی (تاکید از رفقا) و سپس ادا مسه میدهد: "آیا این کلمات به نحو بارزی این واقعیت را نشان نمیدهد که برخی نیروهای سیاسی یکی از طرفین درگیر را تحت فشار قرار داده تا برای بررسی علل این حوادث به کمیسسیون مرکب از..... تن دهد."

آنچه از اسناد رفقا به فاکت مزبور استنتاج میگردد عبارت از این است که برخی گروههای شرکت کننده در "کمیسسیون تحقیق" به بهانه پیدانمودن علل درگیری یکی از طرفین درگیری را بسزای تشکیل کمیسسیون تحت فشار قرار داده‌اند.

اما هرآینه ما "کلمات" مقطع و بریده مورد استناد رفقا را از اطلاعیه شماره ۴ شورای عالی کامل کنیم بخوبی روشن خواهد شد که رفقا برای معقول و انقلابی نمایانند ادعاهای خود چگونه فرصت طلبانه به تحریف مبادرت میورزند و به چه حربه‌های شناخته شده و غیر انقلابی در مبارزه سیاسی متوسل میشوند. عین جملاتی که در اطلاعیه شماره ۴

شورای عالی آمده چنین است: "دارودسته توکل علی‌رغم آنکه تحت فشار نیروهای انقلابی بالاخره با تشکیل کمیسسیون فقط مرکب از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له)، به کیتسی نیشتمانی کوردستان و ماوستا شیخ عزالدین حسینی تن سپرده بود، اما در جلسه مقدماتی این کمیسسیون، شرکت در این کمیسسیون را نیز قبول ننموده و از تعهد خود سربازد و با ایجاد اختلال در کار این کمیسسیون آشکارا و عملیاً دیگر هراس خود را از افشای حقایق مربوط به اقدام جنایتکارانه خود به نمایش گذارد" همانطور که از این جملات برمیآید با عدم شرکت جناح کمیته مرکزی در کمیسسیون با ترکیب سه گانه ذکر شده اساسا چنین کمیسسیون با هدف بررسی علل حادثه و مشخص کردن مقصرین و یافتن راه حلی مناسب برای آن، هیچگاه وجود مادی نیافت و تشکیل نشد و بالاخره این "کمیسسیون تحقیق" اتحادیه میهنی بود که با نظارت برخی سازمانهای سیاسی مسئله تحقیق و بررسی فاجعه را به پیش برده و به اتمام رسانید. اما رفقا بدون توجه به چنین واقعیتی از تحت فشار قرار دادن یکی از طرفین در کمیسسیون تحقیقی که اصلا وجود خارجی نداشته است توسط نیروهای سیاسی شرکت کننده در آن کمیسسیون موهوم سخن میگویند روشن است که چنین تحریف روشنی نتایج عملی مستقیمی برای رفقا دارد. نویسندگان اعلامیه ابتدا "کمیسسیون تحقیقی" از نیروهای سیاسی را که مایه از ای



خارجی نداشته ، و تنها ساختسه و پرداخته ذهن خودشان است در نظر میگیرند آنگاه ، وظیفه بحث پیرامون این درگیری و مشخص کردن عاملین آن و پیدا کردن راه حلی برای آن رابه ایمن کمسیون خیالی ارجاع میکنند . بدیهی است که در مرحله بعد ، " دن کیشوت" های مادیکر " مجوز قانونی" این امر را کسب میکنند که با دستاویز " دخالت در مسائل درونی سازمانهای مختلف" و بسا شمشیرهای چوبی به این " کمسیون تحقیق " ساخته ذهن خود کسه چیزی جز آسیاب بادی نیستت ناشیانه حمله ور شوند . مسالترک تازی در این میدان رابه رفقا و امید داریم سعی میکنیم بسا توضیح واقعیاتی در رابطه بسا رویداد ۴ بهمین وتشکیل کمسیون تحقیق و نقش نیروهای سیاسی در

این رابطه ، توجه رفقا رابه دنیای واقعیات پیرامون خویش جلب کنیم . هرچند که به نظر ما پس از گذشت یک ماه از فاجعه فوق الذکر برای هیچ شخصی آگاه و جریان سیاسی زیاد مشکل نبود که لااقل مسائل را آنطور که واقعا به وقوع پیوسته توضیح دهند و آنگاه به موضوع گیری درباره آن رویدادها بپردازند . همه میدانند که پس از دخالت پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان در بحبوحه درگیری مسلحانه روز ۴ بهمین ، که منجر به پایان یافتن آن گردید ، در عین حال کسه دو طرف بعد از درگیری حاضر به نشست و گفتگو بایکدیگر نبودند ، بسا پیشنهاد جناح شورایی عالی مبنی بر تشکیل کمیسونی از هم کسه گروهها و سازمانهای انقلابی برای بررسی واقعه وصحبتهای اتحادیه میهنی با جناح کمیته مرکزی این

جناح نیز با تشکیل کمسیون تحقیق متشکل از ترکیب معین سنی از نیروهای سیاسی که بتنا به ادعای وی مستقیم یا غیر مستقیم در درگیری دست نداشتند موافقت نمود و درست در اولین جلسه ایمن کمسیون از اجرای آنچه که تعهد کرده بود شانه خالی کرد . بدین ترتیب مسئله تشکیل کمسیون تحقیقی مرکب از نیروهای سیاسی جهت تحقیق و بررسی فاجعه ۴ بهمین و مشخص کردن مقصرین و یافتن راه حل مناسبی برای پایان دادن به تشنجات موجود عملا منتفی گشت . بسا برایین برخلاف آنچه در اعلامیه ارتش رها نشیخ خلقهای ایران موردا دعا قرار گرفته است به هیچیک از طرفین درگیری و بطور مشخص به آنچه که مدنظر رفقا است یعنی جناح کمیته مرکزی هیچ فشاری از طرف نیروهای سیاسی برای تشکیل کمسیون



فدائی
سال اول شماره ۳ خرداد ۶۵

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

فکر بر امر را بیسم
اسکهای زینبرش

نقد و مباحث
زود و راسته ما میرا بیسم
بهری امانی ما کلاهت که بیوف
و خنده ای ای ربه انقلاب کسه
امور ایمنش - بگر خک فلای
ایران ما زمانه داده است و کله
که بران سرگرم سازات کارگان
و فلایان و مگر کوهستان
نشد کم از آن زمانه هر کسه ای
نشدت فده و با صمیمیت کامل بسا
کتاب و خبرهای اخلاقی و شرکی
بی برادران و امانت سیرت کن
نور خزان که دستت بسا زور
زین بر کله که روح انگستون
موزان اقلتی برستا درین کوه
بهری امانی برستا برستا
نشدت فده و خنده ای ای
سیرت - فلای تنور و اندسی
نشا بسا بپایه ما کله شد و در کله
بیشتر کمال سیرت یافته است
و بی علمان تمام شناسنا

پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
پشاسیت آغاز سال نو
ما در هر صبحه فلایان ایران
سا رنگ ما - انگور مبارک
و حالی دیگر را هر صبحه
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین

روایات
مطبوعات فدائی ما کسه
چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول شماره ۳ خرداد ۶۵

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

فدائی
سال اول شماره ۳ خرداد ۶۵

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

فکر بر امر را بیسم
اسکهای زینبرش

نقد و مباحث
زود و راسته ما میرا بیسم
بهری امانی ما کلاهت که بیوف
و خنده ای ای ربه انقلاب کسه
امور ایمنش - بگر خک فلای
ایران ما زمانه داده است و کله
که بران سرگرم سازات کارگان
و فلایان و مگر کوهستان
نشد کم از آن زمانه هر کسه ای
نشدت فده و با صمیمیت کامل بسا
کتاب و خبرهای اخلاقی و شرکی
بی برادران و امانت سیرت کن
نور خزان که دستت بسا زور
زین بر کله که روح انگستون
موزان اقلتی برستا درین کوه
بهری امانی برستا برستا
نشدت فده و خنده ای ای
سیرت - فلای تنور و اندسی
نشا بسا بپایه ما کله شد و در کله
بیشتر کمال سیرت یافته است
و بی علمان تمام شناسنا

پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
پشاسیت آغاز سال نو
ما در هر صبحه فلایان ایران
سا رنگ ما - انگور مبارک
و حالی دیگر را هر صبحه
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین
نور خزان و درخت درین زمین

روایات
مطبوعات فدائی ما کسه
چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول شماره ۳ خرداد ۶۵

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!



تحقیق ادعائی اعلامیه وارد نشد. و جالب توجه است که طرفین درگیری خود چنین مسئله‌ای را مطرح نکرده‌اند و از این لحاظ اعلامیه‌ها و اطلاعاتی که دو طرف بهترین مدارکی هستند که مسلماً در این اتهام زنی، رفقا را به آنها کاری نیست. توجه کنید، متون زیر - راز نوشتجات دو طرف نقل شده: "مادر اسرع وقت ضمن انتشار مشروح کامل این جنایت شوم، از نمایندگان سیاسی کلیه احزاب، سازمانها و نیروهای انقلابی ایران به منظور شرکت در یک کمیسیون تحقیقاتی دعوت خواهیم نمود تا با انتشار نتایج تحقیقات، ماهیت خیانتکارانه این اقدام جنایتبار برای جنبش انقلابی ایران و جهان روشن گردد." (تاکید از ماست) اعلامیه شماره ۲ جناح شورایی عالی بتاريخ ۶۴/۱۱/۵ "در پی حمله مسلحانه باندمصطفی مدنی - شیبانی به مرکز فرستنده صدای فدائی، اتحادیه میهنی کردستان در تماس با نماینده سازمان در کردستان پیشنهاد نمود که بمنظور موضعگیری اتحادیه میهنی در مورد این واقعه کمیسیونی مرکب از برخی نیروهای سیاسی جهت تحقیق پیرامون حمله مسلحانه چهارم بهمن ماه تشکیل شود. نماینده سازمان ضمن پذیرش این پیشنهاد، متذکر شد که اعضای کمیسیون باید شامل آن نیروهای سیاسی باشند که در حمله مسلحانه به مقر رادیو، مستقیم

و غیر مستقیم دخالتی نداشته و موضعی مغرضانه نداشته باشند. برای این مبنا موافقت شد که کمیسیونی مرکب از اتحادیه میهنی کردستان، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) و ماوستا شیخ عزالدین تشکیل شود." (اطلاعیه شماره ۴ جناح کمیته مرکزی بتاریخ ۶۴/۱۱/۱۱

اما همانطور که گفتیم در اولین نشست جناح کمیته مرکزی به این بهانه که "درک واحدی از اهداف و محدوده وظایف کمیسیون وجود ندارد" در آن شرکت نکرد و این همان کمیسیون خیالی است که بزعم ارتش رها بیخ خلقهای ایران نیروهای سیاسی شرکت کننده در آن با "نقض آشکار اصول دمکراتیک ناظر بر مناسبات گروهها و سازمانهای سیاسی" با با صلااح تحت فشار قرار دادن یکی از طرفین درگیری به "دخالت آشکار" در مسائل درونی سازمان اقلیت "پرداخته انید و گویا از این روست که اینچنین غیر مسئولانه مورد آتشباری توپخانه اعلامیه قرار گرفته‌اند، همانطور که گفته شد کمیسیونی با آن ترکیب و اهداف و "اتهاماتی" که اعلامیه برایش می‌شمارد هرگز وظیفه تحقیق و بررسی فاجعه بهمن را به پیش نبرد، بلکه اتحادیه میهنی که بن بست وعدم تفاهم دو طرف، برای تشکیل یک کمیسیون تحقیق و مرجع مسورد توافق را برای حل قضیه میدید، از زاویه بررسی واقعه خونباری که

در منطقه تحت نفوذش اتفاق افتاده بود، اقدام به تشکیل یک "کمیسیون تحقیق" با ترکیب صرف نیروهای خویش نمود و از برخی سازمانهای انقلابی دعوت کرد که بر کیفیت کار کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی نظارت کنند و این مسئله را به اطلاع دو جناح رساند.

"کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی طی تشکیل جلساتی با حضور هیئت نظارت که متشکل از نمایندگان حزب دمکرات، کومه له، دفتر ماوستا شیخ عزالدین حسینی، راه کارگرو چریکهای فدائی خلق بود، به انجام تحقیقاتی از اعضا و نیروهای دو جناح متخاصم پرداخته و سرانجام با پایان یافتن کارش طی انتشار اعلامیه‌ای نظر خویش را در رابطه با چگونگی وقوع درگیری مسلحانه اعلام نمود.

از همان ابتدا برای همه نیروهای شرکت کننده در هیئت نظارت "کمیسیون تحقیق" اتحادیه میهنی روشن بود که شرکتشان در جلسات کمیسیون صرفاً جنبه نظارت بر کیفیت کار آن را داشته و هیئت نظارت جدا از حق بیان نظرات خود هیچگونه اختیاری از زاویه قضای و تصمیم گیری نهائی بیین جناحهای متخاصم ندارند. نه تنها شورایی عالی که از ابتدا خواهان تشکیل کمیسیون تحقیق



پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



گم‌گونی قاره‌مانی کورد

چریکهای فدائی خلق ایران به‌ویژه کورد و پرتوهای ده‌ساله‌اش که دیاری کردنی مافی چاره‌نووی، مافی ره‌وای گم‌گونی کورد و مافی شه‌وای گم‌گونی کوردی شه‌رانه چریکهای فدائی شه‌لین : مؤده‌وای مافی کورد و گم‌گونی تری شه‌ران نازادانه مافی چاره‌نوویان دیاری بکنن شه‌بیت‌سه‌ره‌تا ده‌ساله‌اش ره‌وشی شه‌بیرالیزم و به کوری کبراه‌کاشی شه‌ک بختین

ته‌نجا کا شه‌ک نیشتمانه‌کمان له‌کورت و پرتوهای ده‌ساله‌اشی خومی شه‌بیرالیزم نازادبیت شه‌وکاته گم‌گونی قاره‌مانی کورد و گم‌گونی تری شه‌رانه‌سته شه‌توانن نازادانه چاره‌نووی شه‌وایان به‌ده‌ست به‌پشتن

سه‌ک به‌شه‌بیرالیزم و سه‌ک به‌سکوره‌کاشی کورمانی شه‌لانی مزی خه‌بانی چه‌کدارانه‌که‌ته‌نجا ره‌یکه‌ی گم‌گونی به‌نژادبه له‌کول با و ره‌مان را به سه‌ک و شه‌لانی شه‌بیرالیزم

ت ش ۸۰۰۸۶۵

چریکهای فدائی گم‌گونی شه‌ران - کوردستان

۶۵/۳/۱۸

نمیباشد؛ آخر قرار نیست یا اصطلاح مارکسیستهای ما بطوراً انتزاعی با مسائل برخورد کنند و از پیش در رابطه با سازمانهای کمونیستی و یا بهر حال سازمانهای درون صف خلق "کلی گوئی" کنند و بگویند از نظر اصولی چنین سازمانهایی مجاز به استفاده از شیوه‌های قهرآمیز برای حل مسائل درونی خود نیستند، نه خیر آنها طرفدار "جنگ انقلابی" هستند اکنون فقط باید دید بر اساس آموزش‌های "مارکسیسم" مورد نظر رفقا آیا درگیری مسلحانه ۴ بهمن که طی آن تعدادی از اعضاء و هیواداران سازمان اقلیت بدست یکدیگر کشته شدند از نوع جنگهای انقلابی است یا غیر آن و بالاخره با اتکاء به مارکسیسم مورد نظر اعلامیه رفقا طرفدار جنگ روز ۴ بهمن هستند یا نه؟ ولی کنکا ش در این مورد نیهوده‌است چرا که رفقا میکوشند در پشت عبارات مارکسیستی،

باز زده خورد مسلحانه دو جناح متخاصم و شیوه‌ای که در رابطه با حل مسائلشان از آن مدد جستند، چه میگویند، در اینمورد در اعلامیه آمده است:

"نکته دیگری که باید در اینجا یادآور گردیم، شیوه‌ای است که طرفین مخالف برای حل اختلافات سیاسی خود به کار گرفتند به نظر ما هیچ مارکسیستی نمیتواند از پیش و بطوراً انتزاعی و به صرف این که زده خورد مسلحانه غلط است آن را محکوم کند. این درست است که مارکسیستها طرفدار جنگ بطور کلی نیستند، اما این بدین معنی نیست که طرفدار هر نسوع جنگی نباشند اتفاقاً ما طرفدار جنگ انقلابی هستیم....."

بلی شیوه‌ای که طرفین مخالف برای حل اختلافات سیاسی خود به کار گرفتند یعنی درگیری مسلحانه ۴ بهمن از نظر رفقای ارتش و ره‌ا شه‌بیش خلقهای ایران محکوم

از نیروهای انقلابی و حتی با هر ترکیبی که مورد قبول جناح کمیته مرکزی باشد، بود، بلکه خود نیروهای جناح کمیته مرکزی نیز با هر انگیزه‌ای در تمام جلسات کمیسیون شرکت کرده برای آن نامه نوشتند و با توجه به همه انتقادات خود به آن "با عزمی آهنین و ایمانی خلل ناپذیر" شرایط ادامه کار کمیسیون تا ارائه نتیجه را فراهم نمودند "و در ضمن از اتحادیه میهنی کردستان تقاضا کردند که "موضع صریح خود را در مورد توطئه مسلحانه اشغال رادیو هر چه زودتر اعلام کند" (نقل قولها از اطلاعیه شماره ۴ کمیته مرکزی) با این توصیف است که اکنون میتوان به درجه واقعی بودن وجدی بودن اتهامات اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش ره‌ا شه‌بیش خلقهای ایران) به نیروهای سیاسی در رابطه با کمیسیون تحقیق پی برد.

اعلامیه با استناد به فاکت تحریف شده و سرودم بریده‌ای از اطلاعیه شماره ۴ جناح شورایی، کمیسیونی مرکب از نیروهای سیاسی ایرانی را - که هیچگاه تشکیل نشد - به جای کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی کردستان که قضیه تحقیق و بررسی فاجعه را به انجام رساند، نشانده و نیروهای سیاسی را متهم به ایجاد جو "فشار" و "داخلت آشکار" در مورد اخلی سازمان اقلیت نموده است. اکنون ببینیم نویسندگان اعلامیه در

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران

در مورد عملیات مین گذاری
در منطقه سویسنایتی سردشت

از صفحه آخر

آنان را در ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش در هم بشکنند . گرچه سگان زنجیری امپریالیسم از عجز و ناتوانی خود در سرکوبی مبارزات خلق کرد به آفریدن هرگونه فجایع وحشیانه متوسل گردیده و حتی سرتاسر کردستان را با استقرار پایگاههای نظامی به پینک پادگان بزرگ نظامی تبدیل نموده اند و اگرچه منذ دوران همواره میکوشند با تبلیغات عوامفربانه‌ای از این قبیل که گویا "حیات فدائیان در کردستان به اتمام رسیده و مردم کوردهمیده‌اند که باید از جمهوری اسلامی حمایت نمایند" در روحیه مقاوم و تعرضی خلق کرد و پیشمرگانش تزلزلی ایجاد کنند . اما هیچیک از این تشبثات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خللی در اراده پیشمرگان قهرمان در ادامه مبارزه علیه این سگان

خلقهای قهرمان ایران ! رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مدت ۷ سال بسا بیورش‌های گسترده و ددمنشانه نیروهای سرکوبگر خود در تلاش است مبارزات فدائیان را بیستنی و آزادیخواهان را خلق کرد را درهم بکوبد .

مزدوران وابسته به امپریالیسم در طی این چند سال همواره در صدد آن بودند که با کشتارهای وحشیانه و سبانه خلق ستم‌دیده کرد و با بمبارد اجرا کردن سیاستهای ضد خلقی‌ای چون سوزاندن روستاها ، کسوج اجباری ، تخلیه اجباری روستاها ، ارتباط خلق کرد را با پیشمرگان دلاورش قطع نموده و مقاومت

(راه کارگر) اقدام به مین گذاری در جاده نظامی مردآوه - آلتان نمودند که در ساعت ۸/۵ صبح روز ۶۵/۲/۲۵ ، یکدستگاه آیفای حامل مزدوران پایگاه مردآوه با مین کارگذاری شده برخورد نموده و منفجر گردید ؛ بطوریکه ۵ تن از مزدوران ضد خلقی کشته و یک مزدور دیگر مجروح شد .

۲- در همین روز (۶۵/۲/۲۴) پیشمرگان مین دیگری را در مسیر جاده نظامی فوق الذکر کسار گذاردند . مین کارگذاری شده در ساعت ۱۰/۴ صبح روز ۶۵/۲/۲۵ هنگامیکه یک زیل حامل تانکر آب از روی آن عبور نمود منفجر گردید که در نتیجه آن ۳ تن از سرنشینان مزدور خودروی مزبور به هلاکت رسیدند .

۳- در تاریخ ۶۵/۲/۲۶ پیشمرگان در جاده نظامی جاسویان - کنه میشکه مینی کار گذاشتند که در ساعت ۲ بعد از ظهر روز بعد (۶۵/۲/۲۷) برای برخورد تویوتای مسلح به دوشکای رژیم با آن ، منفجر گردید و در نتیجه از ۴ پاسدار سرنشین تویوتا ، ۲ پاسدار کشته و ۲ تن دیگر زخمی گردیدند و تویوتای مزبور همراه با دوشکای آن نیز منهدم گشت .

با همکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم . نظریات ، انتقادات ، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعال تری با ما برقرار کنید . بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده‌ها و به مجموعه هوادارانش متکی باشد .

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک
در جنبش خلق کرد!

زنجیری امپریالیسم بیچاره
نیارده و واقعیت این است که
علیرغم تمامی تبلیغات ضد خلقی،
مزدوران رژیم لحظاتی از
تعرضات انقلابی پیشمرگان قهرمان
درمان نبوده و دائماً از ضربات
کوبنده و انقلابی فرزندان پیشمرگ
خلق کرد در خوف و هراس بسو
میروند .

در هر نقطه ای از کردستان
همواره عملیات بزرگ و کوچک
توسط پیشمرگان دلیر و جوان بر
کف بر علیه نیروهای مزدور رژیم
وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی صورت میگیرد و به این
ترتیب خواب و آرامش از چشمان
این مزدوران سلب گردیده است .
پیشمرگان دلیر چریکهای فدائی
خلق نیز با اعتقاد به این اصل
که در هیچ شرایطی نباید دشمن
را آسوده گذاشت و نیروهای
انقلابی و رزمنده باید با تمام
نیرو و توان در هر کجا که
امکانپذیر است ضربات هر چه
کاری تر به دشمن وارد آورند، به
عملیات مین گذاری اخیر اقدام
نمودند . ما اعتقاد داریم که
باید با تدبیر هر چه بیشتر مبارزه
مسلحانه در کردستان و گسترش آن
رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی را در رسیدن
به اهداف پایانش که همانا
خاموش کردن مبارزات توده ها
و نیروهای انقلابی در کردستان است
ناکام گذاشت . و عمیقاً معتقدیم
که در این مسیر اتحاد مبارزاتی
بین نیروهای رزمنده یکی از
ضروریات اساسی است .
ما چریکهای فدائی خلق بارها

اعلام کرده ایم که تجربه بیش
از ۶ سال مبارزه در کردستان
نشان میدهد که بدلیل عدم
همکاری وسیع انقلابی بین
نیروهای رزمنده این جنبش و
فقدان یک فرماندهی واحد در جنبش
خلق کرد شکستهای برای این جنبش
تحمیل شده است . به همین دلیل
برای خروج از وضعیت فعلی
و آزادسازی دوباره مناطقی که
تحت کنترل رژیم درآمده جهت
هموار کردن راه پیشرویهای آینده
ایجاد هماهنگی و اتحاد عمل
برداریم .

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران
زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگد
زنده باد مبارزه مسلحانه کد تنها راه رسیدن به آزادی است
با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان
۶۵/۲/۳۱

گدانی قاره مانی ایران



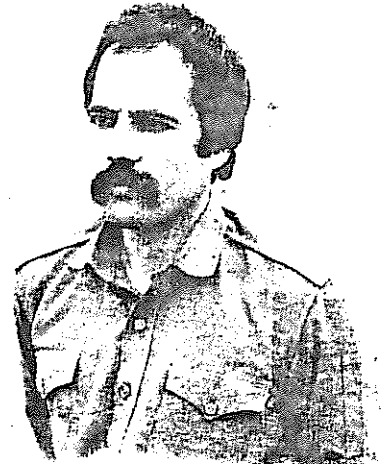
زبان ترله عشق ساله کوردستانی قاره مان ، شام سکنه ره شاکرینه ی شورش لبه را میسر
هیرش در پندانه ی رژی می دزی کله ده جکتی . نه زمونی خویناوی بهرگری دلیرانه شام گله
شده ی نیشان را له بیخاوی پرگار بوون لده سلاتی شیمیریالیزم وسه گه زنجیرکراوه کسانو
به ده ست هینانی نارادی جگله ریگای خعبانی چه کداری ، ریگای بهکی تر نی به

بزی خعبانی چه کداریه تنه ریگای گه یشتن به نازادی
مردن بیزرژیمی سدر به شیمیریالیزمی کوماری شیلادی
له کهل ساوه پیمان رابه سه رکوتنی ریسیا زمان

چریکهای فدائی کله ی ایران - کردستان
۶۵/۲/۱۸

ت ش ۱۰ سن ۶۵

اطلاعیه

چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت شهادت
چریک فدائی خلق پیشمرگه قهرمان
رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب)

از صفحه ۱

"مرگ خیلی آسان میتواند به سراغ من بیاید، اما من تا میتوانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم، البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم - که میشوم - مهم نیست، مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد..."

است مهم آنست که زندگی یا مرگ ما آورد. رفیق مرتضی از همگان مسلما این واقعہ با عشت چه تاثیری در زندگی دیگران داشته باشد، بر این مبنا، بدون شک زندگی مبارزاتی رفیق مرتضی مداح بعنوان یک رفیق انقلابی هوادار چریکهای فدائی خلق بر زندگی خلقهای ستمدیده ایران که وی در راه آزادی آنان جان بر کف گرفته و اسلحه در دست به نبرد برخاسته بود تا شیر انقلابی بجای گذاشته است و همین برای یک انقلابی دارای ارزش بسیاری است.

چریک فدائی خلق رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب) در یک خانواده متوسط در کوهان شاه بدنیا آمد. در همان اوان زندگی‌اش همانند دیگر زحمتکاران میهنمان تا اینکه در اثر رشد مبارزات توده‌ها و گسترش جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران در سالهای ۵۷-۵۶ و با حاکم شدن فضای سیاسی بر جامعه به مبارزه سیاسی روی آورد.

رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب) در دوران مبارزه با امپریالیسم در آن منطقه سوسیالیستی سردشت که وی در آن شرکت داشت، نمیکداشت. آنطور که رفیق صمد بهرنگی گفته

تا اثر شدید همه ماست و آندوهی بزرگ بخاطر از دست دادن رفیق مبارزی که مرگ خیلی آسان بسراغش آمد، قلب ما را میفشارد، واقعیتی است که انقلابیون جان برکف بسیاری بوده‌اند که علی‌رغم نبرد در پرمخاطره ترین شرایط، با مرگ در موقعیتی مواجه شده‌اند که انتظار آن نمیرفته است.

در مورد رفیق مداح پیشمرگه قهرمانی که در نبردهای متعدد با نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان شرکت کرده بود نیز چنین روی داد و اتفاقاً زندگی مبارزاتی رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب) در شرایطی پایان یافت که هنوز چند روزی از آخرین عملیات نظامی یک دست‌ساز پیشمرگان چریکهای فدائی خلق در منطقه سوسیالیستی سردشت که وی در آن شرکت داشت، نمیکداشت. آنطور که رفیق صمد بهرنگی گفته

مبارزه بر علیه و فعالانه به مبارزه بر علیه آن برخاست.

کاک شهاب ما بحتاج زندگی خانواده‌اش را از طریق کار در کارگاههای مختلف صنعتی تأمین مینمود و در نتیجه در این محیط با درد ورنج کارگران و زحمتکشان میهنمان آشنا شده و کینه طبقاتی در دلش بارور گشته و عزم او را در ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریش را سخت نمود.

هنگامیکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بطور سازمانیافته و در ابعاد وسیع و گسترده به جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها و نیروهای انقلابی یورش آورد کاک شهاب نیز همچون هزاران انقلابی مبارز تحت پیگرد مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفت و به همین خاطر برای ادامه مبارزه، کسار

و خانواده خود را رها کرده و به جنبش انقلابی خلق تهران کرد پیوست. در کردستان مدتی در صفوف کومه له به مبارزه خود ادامه داد تا اینکه با شروع درگیریهای حقیر و غیر انقلابی بین کومه له و حزب دمکرات به محکوم نمودن این جنگ غیر انقلابی و حقیر برخاست و در ادامه این برخورد جدی و انقلابی بود که پی به سیاستهای انحرافی و بن بست مبارزاتی کومه له برد؛ انحراف و بن بست که تجلی آن در درگیریهای حقیر بین کومه له و حزب دمکرات نمایان شد، به این دلیل بود که رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب) صفوف کومه له را ترک گفته و در فروردین ماه ۶۴ به صفوف چریکهای فدائی خلق ایران پیوست.

رفیق مرتضی مداح (کاک شهاب) در دوران فعالیت خود در سازمان ما از شور و اشتیاق و انرژی در حوزه کارش برخوردار بود و این خصال بارز کاک شهاب برای رفقای سازمان برجستگی داشت و همواره در انجام وظایف انقلابی ای که سازمان به وی محول میکرد بطور خستگی ناپذیر میکوشید و حتی لحظه ای در انجام آن از خود تزلزلی نشان نمیداد.

رفیق مرتضی در چندین جوله سیاسی - نظامی پیشمرگان تهران چریکهای فدائی خلق ایران شرکت نبرد که آخرین آنها جوله

سیاسی - نظامی در منطقه سویسایتی سردشت بود، در این جوله کاک شهاب دلیر در عملیات مین گذاری به تاریخ ۶۵/۲/۲۴ فعالانه شرکت کرد، انفجار مینی که که با کوشش او کار گذاشته شده بود منجر به انهدام یک دستگاه آیفای حامل مزدوران پایگاه مردآوه و کشته شدن ۵ تن از مزدوران ضد خلقی و مجروح شدن یک مزدور گردید.

امروز رفیق مرتضی مداح، کاک شهاب دلیر در میان ما نیست ولی یاد چشم و کینه های مقدس نسبت به امپریالیسم و مزدوران جیره خوارش، یاد عشق و تعهد انقلابی در قبال توده های ستمدیده خلق، یاد دهها خصال و برخورد انقلابی، صفا و صمیمیت،

شادابی و سرزندگی او، پیگیری و خستگی ناپذیریش در انجام وظایف مبارزاتی در میان همسنگرانش زنده است و یاد او یادامه راهش همچنان زنده خواهد ماند، بدون شک اسلحه کاک شهاب رانده مهاجمان انقلابی بدست گرفته و پیکار خونین او را ادامه خواهند داد و از همین روست که رفیق مرتضی (کاک شهاب) دریا دخلق زنده ر جاوید خواهد ماند.

یادش گرامی و راهش پررود و یاد مرگش برای ما پیرایه ایست
سگهای زنجیر ریختن
درود بر چریک فدائی خلق پیشمرگان
قهرمان رفیق مرتضی مداح کاک شهاب
یا ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان
۶۵/۳/۱

گله‌ی قاره مانی کورد



رژیمی نازی و نازی کوماری استلانی بی‌ایه به داعی کردنی نیرای کوردستان، سهنگری خوینتای نازادی و شورش، نه توانیین به رگزی دلیرانه خدایکی کوردستان تیک بشکینی بیرون به رهنکار بوونه‌وی زیاتر به بیلانه‌کانی شوم رژیمه دزی گله‌ی به چکدارین، پیوه‌نسی به ریزه‌کانی روله پیشمرگه کانتا شه‌بکهن، خه‌بانی چکدارانی شه‌له‌دزی سه‌گه رستکراو رتاغا شمیریا لیسه‌کانیان شه‌ویشان شه‌دات‌گه شه‌وان له‌پلنکی کا غل‌زین زبا غره‌چی ترین

مردن بو شمیریا لیزم سه‌گه رستکراوه‌کانی
بزی گله‌ی چمنگا و هرق کوردکه بو نازادی شه‌جشی
له‌گه با وهرمان دا به سه‌رگه‌نسی ویتها زمان

چریکانی فدائی گله‌ی شیران - کوردستان

۶۵/۳/۱۸

شماره ۹۰۹۶۵

جاودان باد خاطره تنهایی شهدای بخون خفته خلق

از صفحه ۱
بیکاری، بحران و
رژیم مزدور خمینی

در جوامع سرمایه‌داری همواره بخشی از طبقه کارگر به‌منابه ارتش ذخیره کاریا مریح تر کارگران بیکار وجود دارند. این پدیده زائشیده تولید سرمایه‌داری بوده و جزئی جدائی ناپذیرسواز سیستم سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری که انسانا در پرتو رابطه تمام‌عیار ارزش اضافی عملکسود میباید و خود را تجدید تولید میکند، به‌کاررگسر فقط به آن اندازه میدهد که برای تداوم کسایش و حفظ نسلش لازم است، در این نظام رابطه‌های دیگری نیز برای حفظ و تداوم وضعیت استثمارری طبقه کارگر وجود دارد، که از جمله وجود همیشگی ارتش بیکاران میباشد. در نظام سرمایه‌داری ارتش بیکاران یکی از عواملی است که در رابطه عرضه و تقاضای نیروی کار شرایط فروش نیروی کار را باطنع سرمایه‌داری و دولت حامی آن حفظ میگرداند، و نه همین دلیل است که سرمایه‌داری و دولتش جهت تسهیل شرایط خرید نیروی کار و لازم در بقا، شرایط وجود ارتش بیکاران را فعالانه می‌کوشند. بدین لحاظ از یک طرف وجود پدیده بیکاری برای سرمایه‌داری امری لازم است و خود اثری آن فریبند، و از طرف دیگر وجود و بقای ارتش ذخیره کارر به وجود و بقای سرمایه‌داری بستگی پیدا میکند. در نتیجه تا مادامیکه نظام سرمایه‌داری و ابزارش طبقه کارگر بقیش یعنی دولت سرمایه‌داری وجود دارند، بیکاری نیز وجود خواهد داشت و بخصوص در شرایط بحرانهای اقتصادی و اجتماعی پدیده بیکاری به طسرق مختلف و شیوه‌های گوناگون به کوشش سرمایه‌داران رشد میسابقه‌ای مییابد که به قیمت خانه خرابی و ویرانی مادی و معنوی هرچه بیشتر طبقه کارگر یعنی شرایط زمینی و نحوه نگارش و اخلاقیش تمام میشود. بدین ترتیب نطفی و دگرگونیسی پدیده بیکاری با نطفی و دگرگونی شرایط هستی و تداوم آن یعنی سیستم سرمایه‌داری ملازم و همراه میگردد. برای ازمیان بردن آن از یکسو از بین بردن شرایط و عامل تجدید و تولید آن یعنی نظام سرمایه‌داری و دولت حامیسی آن و از سوی دیگر جایگزینی نظامی لازم است که دیگر چنین پدیده‌ای را ایجاد یا زآفرینسی نشماید، چنین نظامی جز نظام سوسیالیستی نیست که در آن تولید نه به خاطر سوددهی برای این یا آن سرمایه‌دار بلکه طبق نقشه و برنامه مشخص جهت رفیع نیازمندیهای جامعه صورت میگیرد و در آن اراده پرولناریا با دیکتاتوری پرولناریا اعمال میگردد.

جامعه ما نیز در شرایط حاکمیت بسوزواری وابسته به امپریالیسم از این امر یعنی وجود ارتش بیکاران مستثنی نیست. نظام سرمایه‌داری و بحران ایران جزئی از کاسیک از سیستم جهانی امپریالیستی است و رابطه میان جزو و کسبل ایجا... میکند که از یک طرف جامعه در خطوط کلیش

درهما هنگی کامل با نیازهای کشورهای متروپیل با سدوار طرف دیگر بسیاری از پیروها و تضادهای سیستم امپریالیستی در جامعه وابسته مساسکاب بافته و در شکلی دیگر ادامه مییابد. سلطت وجود این رابطه یعنی وابستگی اقتصادی و سیاسی چنین جوامعی به سیستم جهانیسی امپریالیستی است که بحران امپریالیستی نیز با ازیبار به کشورهای وابسته انتقال و جریان مییابد و مرتکن میگردند تا کشورهای امپریالیستی بخواسند بر بحرانهای مزمن خود تا حدی فاشق ایسد. نلای برای مدور بحران امپریالیستی به کشورهای وابسته جهت تخفیف این بحرانها در کشورهای متروپیل همانطور که در جامعه مسود نا هدیم به قیمت خانه خرابی و شدت یابسی استثمار و غارت و حنیانه خلقهایمان یعنی کارگران، دهقانان و دیگر توده‌های ستمکش سام میثود. وقتی در شرایط وابستگی همه جانبه امپریالیسیها در من عملکرد اجزائی که بطورهما هنگ (ارگانیک) در خدمت کل قرار دارند، مدور بحرانهای امپریالیستیسی و مرتکن ندن آنها صورت میگیرد، این جزو سیر به سیر کردایی بحران کشیده میشود و طبعاً شرایط بقاء عملکرد خود را نیز در وجود رابطه‌های گوناگون وابستگی مییابسد. بنا بر این مادامیکه چنین رابطه‌های با نظام جهانی امپریالیستی برقرار باشد روی کردایی در ریافت بحرانهای مزمن امپریالیستی نیز مرتکن میگردد. و سعبارت دیگر با وجود نظام سرمایه‌داری وابسته راه گویزی بسرای آن سمر نیست و این امری است که تجربیسات ریخی سیر بر آن مهرتاشید زده است. نشها را ساحتا در چنین شرایطی رهائی همه جا نیسه ارمید و سدهای سلطه امپریالیستی و ایجاد جامعه نوین نهادانتدار اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر است. در چنین منشی از درک رابطه وابستگی و بحران امپریالیسی است که نقش دولتهسای وابسته و منجمله دولت مزدور جمهوری اسلامی در چگونگی بر خورد با بحران برجستگی و جایگاه ویژه خود را مییابد. آنها تلاشهای مذبحرانهای بنفع اعتماد امپریالیستی و برای التیام بحرانسز به ریان کارگران و زحمتکشان و بحمله با بیکار سازی هرچه بیشتر آنان صورت میدهد و بدینوسیله مدوری و سرسپردگی خود را به امپریالیستها و دشمنی با خلفها را هر چه بیشتر آشکار میمازند. با اقداماتی که چنین رژیمهای دوراستی اجرای سیاستهای امپریالیستی بعهده می‌گیرند خود را بمثابه عاملی مهم در تقویت و تداوم فقر و فلاکت سوده‌های تحت ستم و به مثابه رژیمهای که بحاضر التیام بحران امپریالیستی از هیچ مسابنی رویگردان نیستند، به همگان معرفی می‌سایند. و از این زاویه خود موجب افشای خود میگردد.

چنین نمائی هم اکنون در جامعه تحت سلطه ما سینه جریان دارد و گونه‌های آن که در سخنان بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین رژیم مزدور خمینی در کیهان بهمین ماه ۶۴ اشکبای

جامعه ما حدودی گویای اوضاع اقتصادی و اجتماعی فعلی جامعه ما در رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی است. او میگوید: وضع امروز وضع تولید و غیره طوری شده که ما منتظر بهانه هستیم تا کارخانه‌ای را تعطیل کنیم. چون اور نداریم، و برای باصلاح چاره اندیشی و مقابله با چنین اوضاعی می‌گوید: "ما میخواهیم نان خور را یک مقدار کم کنیم. منتها باید بدانید که بهامذهای اجتماعی و سیاسی این کم کردنها خیلی بالاست". این سخنان در رابطه با وضعیتی که گریبانگیر رژیم است فقط گوشه‌هایی از واقعیتها را آشکار میسارند. این مزدور از یکسو معترف میشود که اوضاع اقتصادی رژیم "طوری" شده که منتظر بهانه‌ای هستند تا کارخانه‌ای را تعطیل کنند و کارگران را بیکار سازند و بدینوسیله به وضع بحران و راه حل امپریالیستی التیام بخشیدن به آن اشاره میکنند و از سوی دیگر وحشت زده به سران رژیم هشدار میدهند که "باید بینا مدهای اجتماعی و سیاسی" این کم کردن "نان خور" خیلی بالاست. سرفنظر از اینکه تبوی مزدور کارگران را که آفریننده بسیاری از نعمات زندگی میباشند، بشمارا نه "نان خور" مینامد، در هر حال آشکار است که با این گفته‌ها کوشش میشود تا بنحوی سربسته و مبهم اوضاعی که رژیم بدان گرفتار است و اقدامات چاره جوینا آنان توضیح داده شود. تبوی مزدور با این سخنان ضمن آنکه خواسته و نا خواسته حقایقی را برملا میسازد، اساس نزدیک شدن به وضعیت و شرایط کار روزندگی کارگران و سلطت اصلی ایجا چنین اوضاعی نه تنها میگزیزد بلکه سعی فراوان دارد تا عاملین دست اندرکار، در ایجاد شرایط بحرانسی را مخفی نماید. او از رژیم خدمتگزار امپریالیستها سخنی بمیان نمی‌آورد و خاک استنار بسوشان میپززد تا ناچار بهامدهای اجتماعی و سیاسی بحران و بیکاری یعنی مبارزات طبقه کارگر در امان بمانند. بهر حال بسویزه تبوی خدمتگزار امپریالیستها رژیم وابسته بدانها اسرادی و حرجی نیست. او باید چنین کند، و چنین تلاشهای مذبحرانهای بنفاید تا گردانندگان سیستم خود سبتم را از تبورس مبارزات توده‌ها و کارگران - اگر بتواند - دور بدارد. اما برای کارگران و زحمتکشان ما لازم است که در این رابطه مشخص علل و منشاء بیکاری را دریا بند، شرایط بقاء و عملکرد آنها بشناسند. عاملین و دستگاه تقویت کننده و پابرجا دارند، خانه خرابی خود را بسایند. راه و شرایط رفیع و دگرگونی چنین وضعیتی را پیدا کرده و در جهت نابودی این نظام بکوشند و درگیر و دار این درک کردن و فهمیدن و مبارزه کردن، باید سخنان جریان مختلف سیاسی را نیز به کمک تجربه بزنند. کارگران و زحمتکشان ما باید بسروشی بدانند که علت و منشاء بیکاری در سیستم سرمایه‌داری وابسته و شدت یابی آن در عملگرد بحران امپریالیستی نهفته است که سرتا سر نظام جهانی امپریالیسم - منجمله جامعه ما را فرا گرفته است. آنها

پیام فدائیان

ارگان چریکهای فدائیان خلق ایران

باید بدانند که راه حل خودشان در تقابیل با راه حل امپریالیستی چیست و چگونه باید پیاده شود. طرف مقابل یعنی امپریالیستها برای مقابله با بحران امپریالیستی موجود، از جمله جنگ امپریالیستی ایران و عراق را بعنوان جزئی از راه حل مورد نظرشان سازمان داده اند. بی مناسبت نیست در همین مورد تا شهادت و عملکرد این جنگ در رابطه با بحران امپریالیستی اندکی توضیح دهیم.

در کنار رکن وقوسها و کارگری تا کتیبه های گوناگون در این جنگ ارتجاعی یکی از خطوط اصلی ای که همواره تقویت شده بمباران و ویران سازی منابع نفتی، پالایشگاه ها و کشتیهای نفتکش دوطرف بوده است. صرف نظر از اینکه تعقیب چنین تا کتیبه های بی طور مشخص در جهت مسافح کدام اتصالات بوده و تاثيرش در اقتصاد امپریالیستی چگونه میتواند باشد، نتیجه مستقیم آن بر اقتصاد وابسته ایران کاهش صدور نفت و در نتیجه کاهش مقدار ارز دریا فنی ارمادات نفت بوده است. برای اقتصادی که بیش از ۹۵٪ مخارجش توسط درآمد نفت تامین میشود. این کاهش ارز بخودی خود بمعنی کسر بودجه عظیمی است که به هر طریق باید برطرف گردد. اینهم در شرایطی که کالای دیگری برای صدور و تامین این مقدار ارز وجود ندارد. در نتیجه جدا رفتن و چپاول نوده های یکی دیگر از راه های رژیم، استخراج از منابع مائلی بین المللی است که بهره های کم تر کن چنین اقداماتی نیز شهره عام و خاص است. اگر در این شرایط سیار فراوان به تسلیحات جنگی بزرگ و کوچک و خریدهای نجومی آن و ارمادات محمولات مصرعی هم در نظر گرفته شود. آنگاه بروشنی احتیاج شدید رژیم وابسته به حجم زیاد ارز اکتانر میگردد. حال اگر به این مسوارد اقداماتی که توسط امپریالیستها در رابطه با بحران نفت صورت گرفته و موجب کاهش شدید قیمت نفت شده است را افزوده و نتیجه بلاواسطه آنسرا که کاهش بار هم بیشتر ارز است در نظر بگیریم و همچنین بحاطر داشته باشیم که بخشی از ذخیره ارزی رژیم در جریان منحصک اتصالات و مراد ادا اجزای بلوکه شده بود و رژیم مزدور خمینی نیز بچنان حیران با صطلاح حارت وارده به شرکت های امپریالیستی بخش سرگی از این منبغ را به امپریالیستها بساز گردانده است. کمبود بسیار شدید ارز در رژیم متخف شده و در همین حال با توجه به این عوامل تصور روشنتری از حجم غول آسای ارز مورد نیاز رژیم بدست می آید. طبیعی است که برای تامین چنین حجمی ارز مورد نیاز اقتصاد وابسته ایران رژیم مجبور است گسه اسرا به روسیه ای و از هر کجا وبه هر قیمت کسی تا مین سما باشد.

انجام چنین اقدامی ارجان رژیم وابسته حجم بررگی غارت و چپاول امپریالیستی را آشکارتر میسازد که در حقیقت در جهت التیام بخشی به بحران امپریالیستی قرار دارد. در چنین شرایطی افزایش قیمت ها و تورمی که به همراه

می آورد فشار و گزافی زایدالوصفی را بر زندگی کارگران و دهقانان و دیگر توده های زحمتکش وارد میکند و باعث کاهش قدرت خرید مردم میگردد. همین شرایط است که بورژوازی بوروکرات را به دست اندازی بر بخشهای مختلف از مبادله تشویق نموده و جیره بندی و سهمیه گذاری اکثر مواد مورد لزوم زندگی توده ها را باعث گشته است. بی آمد دیگر این کمیبود شدید ارز تشدید رکود است که بطت عدم توانایی رژیم وابسته در خرید و تامین مواد اولیه یا واسطه های برای صنایع مرتبط پدید آمده است و باعث تعطیلی وسیع کارخانجات و واحدهای تولیدی اقتصادا بسیار رونما و مزور وابسته شده که این خود موجب بیکاری روزافزون کارگران گشته و بر شمار ذخیره کار افزوده است.

اگر در سالهای قبل از قیام ۵۷ طبق آمار رسمی تعداد بیکاران ۲۷/۴٪ از کل جمعیت را تشکیل میداد. اکنون طبق همان آمارهای رسمی ۱۴/۲۵٪ از کل جمعیت را شامل میشود و به بیان دیگر، اگر تعداد بیکاران در زمان مذکور نزدیک به دو میلیون نفر بود، اکنون نزدیک به ۵ میلیون تن رسیده است. اگر در آن زمان تعطیلی بعضی از کارخانجات نظیر مونتاز ماشین سیروشن (ژیان) و کراپسول (آریسا شاهین) بدلیل عملکرد بحران مزمن و بطشسی امپریالیستی باعث بیکاری کارگران میگردد ولی امروز در اثر شدتی که بحران امپریالیستی بخود گرفته و عملکرد رژیم مزدور خمینی، در حدود ۸۰۰۰ کارخانه و واحد تولیدی بزرگ و کوچک به تعطیلی و نیمه تعطیلی کشانده و کارگران آنها بدون کوچکترین تا مین و درآمدی - حتی برای نشان شب خورد و خانواده شان - در جمع انبوه بیکاران رها گشته اند. و هر روزه حتی روزی نامه های جیره خوار رژیم نیز با وقاحتی تمام از تعطیلی کارخانه ها و واحدهای تولیدی در شرق و غرب و شمال و جنوب و مرکز کشور گزارش میدهند و لایحه بیکاری کارگران آن کارخانه ها و واحدهای تولیدی را در جلانه لایوشانی میکنند و تحت پوشش همه چیز در خدمت جنگ و هسه کس برای جبهه پشت جبهه که سیاست رژیم برای جنگ و در نتیجه التیام بحران امپریالیستی است را جا میزنند. علاوه بدلیل کاهش قدرت خرید مردم محمولات بسیاری نظیر ۷ میلیون متر پارچه کارخانه جیت سازی به شهر (معادل محصولات سالانه اش) بخوش نمی رسد و این نیز بنوبه خود باعث اخراج و بیکاری کارگران میشود. شدت این امور تا حدی است که روزنامه جمهوری اسلامی و کیهان اعلام خن کرده اند که بدنبال پائین آمدن درآمد ارزی و کاهش آن بر صنایع کشور احتمال دارد که ۶۵٪ از میزان تولیدات صنعتی کاسته شود و شاید تا خرابی وضع سرمایه داران و دولت حامی آنان را به رخ کارگران و دیگر توده ها بکشند و آنها را دعوت به سخت کردن هر چه بیشتر کمربندها می نمایند. در حالی که این مشکل سرمایه داران است و نه کارگران و زحمتکشان. اما آنچه

که از این هتدار روزنامه ها نتیجه میشود این است که احتمال دارد بهمان میزان یعنی ۶۵٪ از کارگران ناغل بیکار شوند و بر چه عمومی میدانچه های اغلب شهرها که محل عرضه مروت نیروی کار است، انبوه بیشتری از کارگران بیکار ظاهر شوند و این پیمان اجتماعی دیگری است که بیزاد نبوی و شرکاء را وحشت زده کرده است زیرا خوب میدانند که در صورت تبدیل تن به پیامدهای سیاسی ریشه رژیم راجا خواهد کند و آن روز دیر یا زود فسرا خواهد رسید.

اگر در نظر بیاوریم که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بیکار سازی کارگران را بدلیل شرایط حاد و بحرانی دنبال میکنند و جمعیت بار طاقت فرمای کرسکی و نیداری را برای کارگران و زحمتکشان به امری عادی و مداوم بدل کرده است و در پی این سیاست به دیگر اقدامات ارتجاعی آنها توجه کنیم آنگاه کارنامه سیاه این رژیم کاملتر در برابر ما گسترده خواهد شد. اقداماتی از قبیل اخراج و پاکساریها و تفتیها در ادارات کارخانه و کارگاه ها، بیرون راندن بیکاری از کسان کارگر و کارمند از محیط کار، تولید، آنها در شرایط تشدید مهاجرت روستا نمان، تسلیس عملکرد بحران در کشاورزی و اعمال غارتگران رژیم و وجود میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان جنگزده و آواره که مجموعا بیانگر کسردگی دامنه بیکاری در جامعه ما میباشد. ابعاد ارتش بیکاران را هر چه روشنتر در مقابل ما قرار میدهد و بخوبی برده از چهره کریسه رژیم و عوامل فربسی های "مستفکراشی" دروغش می دردمنا هیت عمیقاً ضد کارگری اش را آشکارتر میسازد.

در مناسبت چنان اوضاع و چنین اقدامات و سیاستهای ارتجاعی رژیم مزدور خمینی، کارگران و زحمتکشان میهن ما بحق ایستادگی



چریک فدائیان خلق رفیق شهید حمید میرشکاری

حزب دمکرات و جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی!

از صفحه آخر

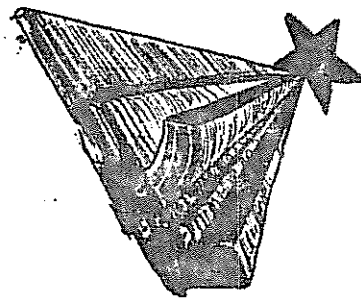
کرده و میکشد . مقاومتها و اعتراضات و نفعها در مقابل با اخراج و پاکسازیها ، راد پیمائی ها و نظا هرات مداوم و حتی اشغال ویرانکاریها را از جانب کارکنان بیکار برای درخواست کار ، اعتصاب ها و اشغال کارخانه ها و کارخانگی مدیریت کارخانه ها برای کسب دستمزدها بیشتر و در نتیجه ترمیم سختی از افزایش قیمتها و غیره فقط نمونه هایی از مبارزات کارکنان و زحمتکشان تا خرداد سال ۶۵ بودند و بعد از آن سر درکنار مبارزات پراکنده اما وسیع کارگری نمونه های برجسته و خونین مبارزات کارکنان کارخانه کانا دادرای ، دغانیات و اعتصاب بررک و فیرمانان کارکنان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به اخراج و بیکاری دسته جمعی کارکنان سرعلیه رژیم ، که احسان همدردی بسیاری از توده های زحمتکشان سراسر ایران را برانگیخت هنوز فراموش نشده اند و تعداد و شدت یابی این مبارزات امری عینی و حتمی است . اما کارکنان آنگاه و پیشرو با ندیدانند و در جهت همه گیری کردن این ایده بکوشند که مبارزه برای حق کارمبارزه ای برای تامین حقیقی دمکراتیک میباشد و این مبارزه باید به مبارزه برای آزادی کار یعنی به مبارزه ای برای سوسیالیسم ارتقاء یابد تا رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان متحدی ممکن گردد و برای طی این مسیر راهی جز مبارزه مسلحانه با رژیم مزدور خمینی بعنوان ارگان اعمال حاکمیت امپریالیستی و سرنگونی اش بعنوان اولین قدم وجود ندارد . و این قدم اول نیز باید با بودی ارتش امپریالیستی بعنوان اصلیترین عامل بقاء سلطه امپریالیستی در میدان جنگ مسلحانه و توسط ارتش خلقی که در این پروسه ساخته میشود ، برداشته شود . قطع سلطه امپریالیستی یعنی نابودی نظام سرمایه داری و احسنه و ایجاد جامعه دمکراتیک نوین اولین مرحله از مبارزه رهایی بخش کارکنان و دهقانان و دیگر زحمتکشان است که بنا به ضرورت تاریخی به رهبری طبقه کارگر باید در آن گام زندگی را به روابط محور گونه علل و رابطه استعماری و منحل به همکاری فراهم آید .

خمینی مبارزه میکنند باز است . هدف شرکت کنندگان در جبهه جمع آوری کلیه نیروهای سالم و انقلابی و دمکرات در داخل جبهه میباشد . در همین زمینه دبیرکل حزب دمکرات در مصاحبه با مجله "الیوم السابح مطالبی گفتنی را بیان کرده است که سئوالاتی را بدنبال می آورد . او میگوید : " هنگام آن رسیده است که اپوزیسیون ایران متحد گردد و در یک چهارچوب وسیعتر و منطقی تر از سابق گرد آید . این اتحاد دمکراتیک که در شرایط کنونی لازمست همه اپوزیسیون ایرانی در برابر رژیم خمینی به وجود آورد و با یدبه شعار اساسی ما : دمکراسی برای ایرانیان و خودمختاری برای کردستان را بپذیرد که این خود قدمی است در جهت طرد اپوزیسیون سلطنت طلب سوال - آیا این نظر شما "شاپور بختیار" نخست وزیر سابق را مستثنی میکند ؟

مقاله پس از توضیح و تشریح ضرورت و اهداف این جبهه از نظر حزب دمکرات " همه دمکرات تهیبا و نیروهای اصیل ، انقلابی و ملی " ویا " همه نیروهای جمهوریخواه و دمکراتیک " به تشکیل جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی دعوت شده اند . صرف نظر از درستی یا نادرستی توضیحی که نویسنده مقاله در مورد ضرورت و اهداف جبهه پیشنهادی خود میدهد ، همانطور که ملاحظه میشود در این مقاله در مورد نیروهای تشکیل دهنده این جبهه با صراحت سخن گفته نشده است . در حالیکه لازم بود نویسنده مقاله درک روشن و عملی خود را از طبقات و نیروهای تشکیل دهنده این جبهه روشن سازد . در همین زمینه در مقاله آمده است " جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی بروی همه نیروهای اصیل جمهوریخواه ایرانی که برای سرنگونی رژیم

جواب - این بخود و مربوط میگردد اگر علنا از سلطنت طلبان فاصله بگیرد ممکن است بتوان بساوی همکاری کرد . "

با توجه به مطالب فوق لازم بود نویسنده مقاله مورد بحث دقیقاً روشن سازد که آیا نیروها و افرادی همچون بختیار نیز از نظر حزب دمکرات در چارچوب جبهه مورد نظرش قرار میگیرند یا نه و آیا "نیروهای سالم" مورد نظر این حزب شامل نیروهای بواقع ناسالم و ضد



چریک فدائی خلق رفیق شهید مختار نیک نژاد



انقلابی ای همچون حزب توده و اکثریت نیز میشود یا خیر. بیشک خلقهای ایران و بویژه خلق قهرمان کرد بخوبی میدانند که جبهه‌ای که در آن نیروهای چون حزب توده و اکثریت و یا بختیار و مدنی شرکت داشته باشند با جبهه‌ای که از نیروهای انقلابی برای نابودی امپریالیسم تشکیل شده و هدفش کسب آزادی و حق تعیین سرنوشت خلقهاست میباشد. از زمین تا آسمان متفاوت است.

و بالاخره در آخر مقاله آمده است "سازمانها و شخصیتهای ذینفع باید در مورد هدفها و مشکلات مربوطه به تشکیل جبهه به تبادل نظر بپردازند و از سوی دیگر همین مسائل در رسانه‌های گروهی به بحث و مناقشه گذاشته شود." و همچنین گفته شده است که "تشکیل چنین جبهه‌ای در شرایط کنونی کار آسانی نیست و سرعت انجام نخواهد گرفت بلکه هم وقت کافی لازم دارد و هم کوشش فراوان". بگذارید بحث خود را در مورد مقاله فوق‌الذکر از همین نکته ادامه

که اگر ملزومات عینی، تشکیل جبهه را اقتضاء نکند و یا بصارت دیگر شرایط عینی تشکیل جبهه آماده نباشد تلاشها هرچقدر زیاد و مناقشه‌ها نیز هرچقدر زیاد پرشور صورت بگیرند کاریه جایی نخواهند بود و یا اگر تشکیل جبهه ضعیف امپریالیستی چه برای نیروئی که چنین مسئله‌ای را مطرح میکنند و چه برای نیروهای که باید اجزاء متشکله آن باشند امری واقعاً جدی تلقی نشود، تلاشها صوری و مناقشه‌ها صرفاً بخاطر خالی نبودن عریضه بوده، بی‌ثمر و بی‌فایده است.

به جز مسئله نیروهای تشکیل دهنده جبهه نویسنده مقاله در مورد یکی از مهمترین مسائل یک جبهه واقعی ضد امپریالیستی یعنی طرق و شیوه‌های مبارزه این جبهه و بویژه شیوه اصلی مبارزه آن سخن نگفته و مشخص نکرده است که از نظر حزب دمکرات "محور اصلی پیکار" برای نابودی رژیم وابسته برای جبهه مورد نظر آیا مبارزه مسلحانه است یا خیر؟ البته حزب دمکرات در مورد نیروهای خود محور اصلی پیکار را مشخص ساخته است اما لازم بود با توجه به تحلیل خویش از شرایط جامعه و نیروهای موجود نظروشن خود را در مورد شکل اصلی پیکار که جبهه با تکیه به آن حرکت خواهد کرد را اعلام کند، تا مشخص شود که از نظر حزب دمکرات باید به چه وسیله‌ای مبارزه کرد تا گرد آن وحدت‌ها را حفظ و ارتقاء داد و

... با کمال تأسف حزب دمکرات علیرغم اینکه مدعی است همواره خواهان اتحاد نیروهای درون جنبش و خواهان تشکیل جبهه‌ای مشترک از نیروهای سیاسی بوده است و هم اکنون نیز از ضرورت تشکیل جبهه دمکراتیک رنبا امپریالیستی سخن میگوید همچنان به جنگ غیرانقلابی با کومله ادامه داده و با قائل شدن پیش شرطهای کاملاً غیردمکراتیک و غیر اصولی علناً و رسماً با امر آتش بس میخالفت میکند.

خواهند گردید. از نظر ما چه در مورد نظراتی که حزب دمکرات در رابطه با ضرورت اهداف جبهه دمکراتیک ضعیف امپریالیستی مطرح کرده و چه در مورد آن مسائل ضروری ای که به آنها نپرداخته است جا بر خورد بسیاری است. و در مورد هر یک از آنها میتوان وارد بحث و مناقشه گردید ولی همانطور که گفتیم مسئله مهمی که اینجا در درجه اول اهمیت قرار دارد تضمین ضرورت و نقش سازنده و مثبت این بحثهاست.

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

در تشکیل جبهه میباشد .
 محور مورد بررسی قراردهیم باید
 بهرسم آیا ملزومات عینی
 جنبش تشکیل جبهه ضدامپریالیستی
 دمکراتیک را ایجاد میکند و یا
 بعبارت دیگر آیا تشکیل جبهه
 پاسخ به یک ضرورت عینی میباشد
 و همچنین باید بهرسم طرح این
 موضوع از طرف حزب دمکرات تا چه
 حد واقعی و جدی است و چگونه
 واقعیتهائی را میتوان در این
 مورد گواه گرفت ؟

ما عمیقاً معتقدیم که
 ضرورتهای عینی جنبش در این
 شرایط ، دقیقاً اتحاد نیروها را
 طلب میکند . منافع مشترک همه
 خلقهای ایران در مقابل
 امپریالیسم و سگهای زنجیریش
 با توجه به مرحله دمکراتیک
 و ضدامپریالیستی انقلاب و در نتیجه
 قرار گرفتن تمام نیروهای خلق
 در مقابل یک دشمن مشترک و از طرفی
 قدرت متمرکز دشمن در شرایط
 پراکندگی صف خلق و ضرورت تمرکز
 همه قوا بر علیه دشمن قدرتمند ،
 اساس آن واقعیات عینی است که
 ضرورت تشکیل جبهه های از نیروهای
 خلق را برای پیشبرد پیروزمند
 مبارزه مشترک خود بر علیه دشمن
 ایجاد میکند . در حقیقت جبهه
 ارگانی برای تمرکز نیروهای
 خلقی و تقویت قدرت رزمی این
 نیروها در مقابل نیروی دشمن
 است . البته تاکید بر این امر
 هر چند بدیهی ضروری است

که صرف اتحاد نیروهای خلقی در
 یک جبهه موجب افزایش قدرت
 آنها نمی گردد ، بلکه این دقیقاً
 بکارگیری توان رزمی این نیروها
 در مسیر مبارزاتی مشخص و در چارچوب
 نقشه های استراتژیک واقعی و
 تعیین و بکارگیری شیوه های

انقلابی مبارزه بر اساس ارزیابی
 واقعی از نیروهای موجود است که
 به جبهه قدرت می بخشد و از آنجا
 که برای وحدت باید هدف
 مبارزه مشخص باشد و هم وسائل
 رسیدن به آن هدف و هم بالطبع
 نیروهای مبارزی که باید در این
 جهت بکوشند باید معلوم و مشخص
 گردند ، در نتیجه در جبهه های
 علیه امپریالیسم و نوکیران
 داخلی باید همه این مسائل
 دقت نمود و درست در شیوه برخورد
 با این مسائل است که در هر مقطعی
 میتوان هم جدیت موضوع را
 خاطر نشان کرد و هم میزان جدی
 بودن این مسئله را در نزد این
 یا آن نیرو ارزیابی نمود .

ما خود همواره بر ضرورت اتحاد
 نیروهای صف خلق تاکید نموده و
 بخصوص بر اتحاد رزمی آنان در
 جنبش خلق کرد پای فشرده ایسم
 بر این اساس ما قبلاً تشکیل یک
 فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

را که بنظر ما برای این جنبش
 دارای ضرورت حیاتی میباشد ،
 به همه نیروهای خلقی شرکت کننده
 در جنبش خلق کرد پیشنهاد کرده ایم .
 در پیام ما چریکهای فدائی خلق
 بمناسبت سالروز ۱۹ و ۲۱ بهمن
 سال ۶۲ آمده است :

"جنبش خلق کرد در شرایطی بس حساس
 قرار دارد و تنها راه نجات این
 جنبش این است که صرف نظر از هر
 گونه کوتاه نظری و خود محور بینی
 سازمانی تمام نیروها بی که عملاً
 در جنبش شرکت دارند در یک جبهه
 واحد و در یک صف واحد و تحت
 فرماندهی واحد و استراتژی ای که
 از طرف این فرماندهی تدوین
 میشود جنگ انقلابی خلق را در
 مقابل جنگ ضدا انقلابی پیش برند و
 بیرحمانه هر کس و هر نیروئی را که
 مانع چنین اتحاد عملی است آفتاب
 و منزوی کنند . ما پیشنهاد میکنیم
 که هر چه زودتر فرماندهی واحدی
 با شرکت تمام سازمانهای که
 در مبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت
 دارند تشکیل شود و همه نیروهای
 مسلح همه سازمانها و تمام
 امکانات تسلیحاتی آنها در اختیار
 این فرماندهی واحد قرار گیرد
 و این فرماندهی بلافاصله با
 ارزیابی دقیق و واقع بینانه از

حدیبه مسائلی که خود مطرح مینمایند، اعتقاد داشته و به آن پایبند میباشد. در اینجاست که باید حزب دمکرات را با واقعیت خود در کردستان مورد توجه قرار دهیم. درست است که حزب دمکرات تشکیل جبهه را نه صرفاً برای کردستان بلکه برای سراسر ایران مطرح کرده است ولی با توجه به اهمیتی که جنبش خلق کردستان عینی برای جنبش سراسری ایران داراست و از آنجا که تداوم یک جنگ توده‌ای در کردستان علیرغم تمام تشبیهات دشمن و ضعف و اشتباه نیروهای درون این جنبش باعث شده است که کردستان همچنان به عنوان سنگر انقلاب ایران مطرح باشد، برای جبهه دمکراتیک وضد

خلق کرد و بخصوص بین دنیسروی مهم آن باید محکمی برای سنجش جدیت مسئله جبهه در نزد آن نیروز بطنی شود. در همین جاست که بنابر آن حزب دمکرات و کومه‌له باید مورد توجه قرار گیرد. همانطور که میدانیم از ۲۵ آبان ۶۳ بین حزب دمکرات و کومه‌له درگیرن مسلحانه ای آغاز شد که تا به امروز ادامه دارد. صرف نظر از اینکه این درگیریها ادامه کدام سیاستهای غیر انقلابی و حاصل چه دیدگاههای انحرافی میباشد خواست توده‌های خلق کرد و تمام نیروهای انقلابی و مترقی قطع این درگیریها و اعلام آتش بین بین حزب دمکرات و کومه‌له بوده است ولی با کمال تاسف

صف آرائی نیروهای انقلاب وضد انقلاب نقشه‌های جنگی لازم را برای پیشبرد مبارزه مسلحانه در کردستان طرح نماید. بنظر ما این فرماندهی باید با قبول این اصل که کردستان در حال حاضر سنگر انقلاب ایران است بویژه با استفاده از حضور سازمانهای سراسری در جنبش خلق کرد فعالانه برای گسترش مبارزه مسلحانه در خارج از کردستان اقدام کند و به این ترتیب نیروی دشمن را در سراسر کشور پراکنده نماید.

مسئله پیشنهاد تشکیل یک فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد از طرف ما، بخصوص با تاکید بر عملی بسودن و ضرورت حیاتی داشتن آن برای کل جنبش، در عین حال به مفهوم ابراز اعتقاد ما به آمادگی زمینه عینی چنین اتحادهاست می باشد. بنا بر این با گذشت از تعییناتی که حزب دمکرات برای جبهه پیشنهادی خود قائل است و تلقی او از آن جبهه باید بگوئیم طرح تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی از طرف حزب دمکرات، از لحاظ ایجاب الزامات عینی جنبش به مفهوم طرح یکی از مهمترین و قریب ترین مسائل جنبش بوده و ایوادی بسسه آن وارد نیست و آنچه در مورد حزب دمکرات مطرح است و در رابطه با این حزب باید روشن شود این مسئله است که در واقعیت امر مسئله تشکیل جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی (به مفهوم واقعی عبارت) تا چه حد برای حزب دمکرات جدی است و این حزب تا چه

ما عمیقاً معتقدیم که ضرورتهای عینی جنبش در ایمن شرایط، دقیقاً اتحاد نیروها را طلب می کند.

امپریالیستی که وظیفه پیشبرد مبارزات دمکراتیک وضد امپریالیستی فاشیستای ایران را بعهده میگیرد، کردستان یکی از اصلی ترین حوزه های مبارزه خواهد بود. بنا بر این حملات مغلطات مربوط به کردستان و در رأس آنها پاسخ گوئی به ضرورت اتحاد نیروهای شرکت کننده در جنبش خلق کرد، اهمیت اساسی دنیا بدو را بین میان و در درجه اول مسئله اتحاد عمل بین دو نیروی مهم جنبش خلق کرد یعنی کومه‌له و حزب دمکرات مطرح میشود. به این ترتیب میسران تلاش یک نیرو برای تامین اتحاد بین نیروهای شرکت کننده در جنبش

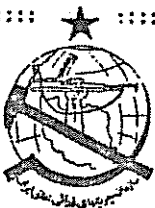
حزب دمکرات علیرغم اینکه مدعی است همواره خواهان اتحاد نیروهای درون جنبش و خواهان تشکیل جبهه ای مشترک از نیروهای سیاسی بوده است و هم اکنون نیز از ضرورت تشکیل جبهه دمکراتیک وضد امپریالیستی سخن میگوید همچنان به جنگ غیر انقلابی بسا کومه‌له ادامه داده و با قائل شدن پیش شرطهای کلا ملاغیر دمکراتیک و غیر اصولی نسبتاً و رسماً با امسج آتش بیسی مخالفت میکند. بیرواضح است که این سیاست غیر انقلابی و انحرافی حزب دمکرات خود عملاً مانع بزرگی بر سر راه اتحاد نیروها و تشکیل جبهه مورد نظر تبدیل شده است. حزب دمکرات

در توجیه پیش شرطهای غیر...
دمکراتیکش برای آتش بس...
انگشت بر تحلیلهای و نقطه نظرات
کومه له میگذارد، و از جمله
خواستار انقلابی تلقی نمودن
حزب دمکرات از طرف کومه له میباشد.
ولی واقعیت این است که...
تحلیلهای تئوریک کومه له هر چه
باشد به هیچوجه توجیه کننده
موضع بنیاد غیر دمکراتیک حزب
دمکرات در مورد "آتش بس" نیست.
کومه له بهر حال و به هر دلیل و
بر مبنای هر تحلیلی (حتی با نقطه
نظراتی که آشکارا با موضع اومینی
بر قطع جنگ و اعلام آتش بس...
مغایرت دارد) خواستار پایان
دادن به جنگ سراسری در کردستان
بین خود و حزب دمکرات بوده و رسماً
حزب دمکرات را بقبول آتش بس
دعوت میکند، بنا بر این عدم
قبول آتش بس بی قید و شرط از طرف
حزب دمکرات نه فقط با اتحاد طلبی
و جبهه خواهی ادعائی او هیچگونه
همخوانی ندارد بلکه درست به
عنوان عاملی در جهت تشدید
پراکندگی نیروهای درون صف خلق
و تضعیف جنبش تلقی میگردد.
درگیریهای حزب دمکرات و کومه له
تاکنون چنان ضرباتی به جنبش
خلق کرد و ایضا به جنبش سراسری
وارد ساخته است که هیچ نیروئی
نمیتواند آشکارا این درگیریها را
مورد تأیید قرار دهد و هیچ
نیروئی که اندکی نسبت به
جنبش احساس مسئولیت نماید
نمیتواند در جهت قطع این
درگیریها نکوشد. به این ترتیب

پرواضح است که عدم کوشش حزب
دمکرات برای پایان دادن به
درگیریهای غیر انقلابی در کردستان
و عدم قبول آتش بس بی قید و شرط
در جنگ با کومه له بعنوان یک
عامل عینی و عملی خط بطلان به
ادعاهای و سخنان ظاهریستند او میکشد
و بیانگر غیر جدی بودن طرح تشکیل
جبهه دمکراتیک و ضدامپریالیستی
در نزد این حزب میباشد.
خوشبختانه توده های ما
اکنون این آگاهی را کسب کرده اند
که نیروهای سیاسی رانده با
ادعاهای پرطمطراق آنها بلکه
با اعمالشان مورد قضاوت قرار
دهند. برای این اساس حزب دمکرات
باید بداند تا زمانیکه برای
قطع درگیریهای غیر انقلابی در
کردستان قدم به جلو نگذاشته و
آتش بس بی قید و شرط را پذیرا
نگردد از اتحاد طلبی و جبهه خواهی

او جز این استنباط نخواهد شد
که این حزب با طرح مسائل واقعی
توده ها و استفاده از احساسات
آنان به نفع خود، آن مسائل را
از محتوا خالی میسازد تا به این
ترتیب اعمالی که در مغایرت
با منافع توده ها از طرف این حزب
بکار گرفته میشود را لاپوشانی
نماید. معلوم میشود که
تشکیل جبهه دمکراتیک و ضدامپریالیستی، برای حزب
دمکرات چندان امری جدی نیست و الا
خود اولین قدم را در این جهت
بر میداشت و همانطور که گفته شد
با قبول آتش بس بی قید و شرط
و پایان دادن به درگیریهای غیر
انقلابی یکسال و نیمه اخیر در
کردستان یکی از مهمترین موانع
را بر سر راه تشکیل این جبهه از
میان بر میداشت.

گهلی جنگاوه ری کورد



چریکائی میداشی گهلی شیران بیروایان وایه :

- ۱- چاره سرکردنی ناگوزکی به کانی نا و خوی گهل به شیوهی زه بیروزهنگ نابیت
- ۲- حیزی دیموکراتی و کومه له دوو هیزی نا و ریزه کانی گهلن .
- ۳- ساره نجام شهیت ناتهبائی شیواتیان به شیوهی سیاسی و ناشتی خوازانه
چاره سررکهن ، نهک بهنا بردنه به روشری براکوزی

بروحی رژیم سار به شیمیریالیزی کوماری شیملاسی
بیک بیت به کیتی تدواری هیزه شورنگیره کانی گهلانی سراسری شیران
دامزری رتکه و تنی دیموکراتیان له کسوردستمان
له گهل باورمان دا به سرکسوردتنی رتیماسازمان
چریکائی میداشی گهلی شیران - کوردستمان

۶۵/۳/۱۸

ت ش ۱۳ سن ۶۵

از صفحه ۱۲ دفاع شرمگینانه از فاجعه ۴ بهمن (۲)

اقلیت شد، رها گرداند. در آن روز اختلافات جناحهای متخاصم درون سازمان اقلیت بمثابه یکی از سازمانهای درون جنبش انقلابی و صف خلق با توجه به انحرافات اساسی در این سازمان در ادامه خودبه درگیری مسلحانه و خونینی می انجامد و عدهای از اعضاء و نیروهای این سازمان بدست یکدیگر به خاک و خون میغلظند. آنچه که روشن بود از لحاظ بینش سیاسی یکی از طرفین یعنی جناح کمیته مرکزی خود را مدافع تمام خط و مشی و برنامه سازمان اقلیت و دیگری یعنی جناح شورایی عالی بنابه اسناد رسمی خود در کار شماره ۱۹۷ و ۱۹۸ دی و بهمن ۶۴ "با حفظ پرنسیپهای کمونیستی تعهد به چارچوب مصوبات اولین کنگره سازمانی" خود را مبنای حرکتش تعیین میکنند. این اطلاعات حداقل مدارک و مبنای است که میتواند بیانگر این امر باشد که از لحاظ سیاسی - طبقاتی هیچیک از طرفین نمایندگان و تعیناتی که "بیانگر درک مشخصی از رابطه انقلاب و ضدانقلاب" و مشخص کننده وابستگی آنها به طیف ضد انقلاب باشد ندارند، گرچه ما بر این اعتقادیم که دو طرف با یکدیگر چه بیشتر از حال و دقایق به انتشار و تبلیغ نظرات خود در عرصه های مختلف بپردازند. اما هنگامی که اهمیت "سیاسی - طبقاتی" تعیین با توسل به این مدارک و حداقلها روشن است، در اینجا دیگر مهمترین وظیفه هر مارکسیستی با توجه به "اصول دمکراتیک" و انقلابی آموزشهای مارکسیستی در

کلی گوئی خود را اپوستانی کنند. آنها مارکسیسم واقعی را از محتوا تهی کرده و کلی گوئی های خود را با رنگ و لعاب "مارکسیستی" می آریند و نشان میدهند که از دنیای تحلیل و بررسی واقعی و دیالکتیکی و مشخص قضا یا مبتنی بر مارکسیسم و شکستن سد کلی گوئی فرسنگها فاصله دارند. به این ترتیب رفقای ارتش رها شیبخش خلقهای ایران با طفره رفتن از پاسخ مشخص به سوالات فوق شرمگینانه در موضع دفاع از فاجعه ۴ بهمن می نشینند. نتیجه گیری اعلامیه در این قسمت نیز گویاست: "بنابر این موضع گیری قطعی در مورد محکوم نمودن این درگیری مسلحانه تنها هنگامی امکان پذیر است که اهمیت سیاسی - طبقاتی این جنسگ و اهداف واقعی طرفین درگیر در آن بطور روشنی بیان گردیده باشد." اگر رفقا اندک ذقتی به خراج

میدادند که درک کنند فاجعه ۴ بهمن و درگیری مسلحانه آن روز، در درون یکی از نیروهای جنبش انقلابی بوقوع پیوسته و حداقل هیچیک از جناحهای متخاصم درون آن با وجود عوامل و عناصر بورژوازی نامیدن یکدیگر مستقیماً این ادعا را ندارند که چریکان مقابل وابسته به امپریالیسم و یا ضد انقلاب حاکم است، آنگاه "اظهار نظر قطعی" درباره آن تا بدین حد برایشان دشوار و دست نیافتنی نمی نمود. به نظر ما هیچ مارکسیستی نمی تواند و حق آن را ندارد که با سخن پردازیهای به ظاهر مارکسیستی و با پنهان شدن و لمیدن بر روی مارکسیسم، چشمان خود را بر روی واقعیات سخت زمینی ببندد و گریبان خود را از پاسخگوئی مشخص بیهوده واقعیاتی که منجر به بروز فاجعه خونین ۴ بهمن و حوادث آن روز در درون سازمان



پیشمرگه نه بزه کافی کولی کورد

له ما ره ی شم به کماله ی نه ری برا کوزی نتوان حیزبی دیموکرات و کومه له زیاتر له ۴۰۰ کهس له ها و سه نگه رانی شیوهی کینا به خاک و خون نه وه . تی بکوشن هر چند له توانا تان هدی کونایی به برده و امی شم شوری برا کوزی به بهین و سیاسه تی نا نو پشگیرانه ی هتکرسینوری شم نه ی رسوا کن .

مردن بولیمبریا لیرم و سه گه و ستکرا وه ی له کدل با وه پیمان به بیروزی رینا زمان چریکایی فدائی کولی نیران - کوردستان

۶۵/۳/۱۸

ت ش ۱۲ سن ۶۵

یک از جناحین درون آن داریم برای افکار عمومی جنبش و توده‌ها بازگو کنیم، با توجه به این واقعیات روشن و زننده و علیرغم ادعاهای واهی و بی اساس اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش‌رها شیبخ خلقهای ایران) است که امروز نیز با قاطعیت همچون گذشته اعلام میکنیم که چریکهای فدائی خلق نه تنها در رویدادهای ۴ بهمن و بعد از آن در امور داخلی سازمان اقلیت، بلکه در کوچکترین مسائل درونی هیچ سازمان درون جنبش انقلابی دخالت نکرده و نخواهد کرد، در عین حال که با تمام توان خود کوچکترین تلاشهایی که در سطح جنبش بانامهای پرطمطراق و دلفریب "طبقه کارگر"، "مارکسیسم" و "انقلاب" مشغول مخدوش کردن "اصول دمکراتیک" و پرنسیبهای حاکم بر روابط انقلابی درون جنبش و رواج سنت گذاریهای زشت و زیانبار در فرهنگ طبقه کارگر و توده‌ها و امر انقلاب، میباشدند را افشاء و منفرد خواهیم کرد.

حال که یکسری از مسائل روشن گردید بهتر است باز هم به نکته دیگری از اعلامیه مورد نظر توجه کنیم، در آنجا آمده است که: "روشن است هنگامیکه اختلافات درونی به زد و خورد مسلحانه کشیده میشود در اینجا دیگر نمیتوان از شروع کننده درگیری صحبت کرد چرا که در اینجا سخن بر سر تنقیح در اشکال مبارزه است و نه

هرچند که این تمایل را با آه و فغانش مبنی بر دخالت در امور درونی سازمان اقلیت به توسط نیروهای سیاسی دیگر و "پورتونیست" و "رویزیونیست" و "رفرمیست" خوانند آنها لایوشانی کند در این زمینه بی مناسبت نیست در همینجا بگوئیم با درگیری این آموزشها و ادامه چنین سیاستی بوده که برای مامورین و شناساندن چهره مسبیبن و آغازگران فاجعه‌ای که در روز ۴ بهمن اتفاق افتاده بود مطرح گشته و به آن عمل نمودیم، بدون آنکه این عمل و حقیقت بزرگ اعلامیه برای "تحمیق توده‌ها، مشوب نمودن ذهن آنها و منحرف نمودن افکار عمومی جنبش" صورت گرفته باشد و بیایان نگرانی‌های غیر اصولی از این طرف درگیری باشد. ما بعنوان یکی از اعضای هیئت ناظر بر کمیسیون تحقیق اتحادیه میهنی پیرامون فاجعه ۴ بهمن، در جلسات کمیسیون تحقیق در جریان تحقیقات انجام شده از دو طرف قرار گرفتیم و در پایان کار کمیسیون نظر خود را در این رابطه در سطح جنبش اعلام کردیم. ما به صراحت و بطور اصولی سعی کردیم واقعیاتی که در روز ۴ بهمن اتفاق افتاده و منجر به فاجعه فوق‌الذکر شده بود و نقیض سازندگان آن را با رعایت تمام اصول و پرنسیبهای انقلابی و با وجود اختلاف نظرهای عمیق و اساسی که با سازمان اقلیت و هر

درجه اول طرفدار محکوم نمودن شیوه‌ای میباشد که دو طرف در درون یک سازمان صف خلق، برای حل اختلافات خود دیدار میکنند، یعنی زد و خورد مسلحانه و توسل به سلاح به جای بحث و اقتناع و زیرپا نهادن اولین اصول دمکراتیک حاکم بر روابط یک تشکیلات انقلابی، شیوه‌ای که این نیروها به علت عدم پایبندی و وفاداری به این اصول به آن متوسل شده‌اند. مارکسیستها موظفند و باید با تقبیح این شیوه‌های برخورد و نما یا نمودن و افشا کردن چهره عاملین آن در نظر توده‌ها، و جنبش انقلابی، از تبدیل آن به یک سنت زشت و غیر انقلابی و دشمن شادکن، در جنبش جلوگیری نموده و با هرگونه گرایشی در صف انقلاب که میکوشد چنین سبک برخوردی را عملاً جایگزین شیوه‌های شرافتمندانه مبارزه کنند و یا فرصت طلبانه در تئوری و مطابق با سرشت و خوی خود و با سنگ گرفتن در پشت عبارات مارکسیستی، چنین شیوه‌های برخوردی را طبیعی و "نتیجه منطقی" مبارزه جلوه دهد، مقابله و آن را خنثی نمایند. ولی اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران - ارتش‌رها شیبخ خلقهای ایران هنگامی که به بررسی فاجعه ۴ بهمن زد و خورد مسلحانه بین نیروهای سازمان اقلیت و تطبیق و توجیه آن با "مارکسیسم" خود می پردازد آشکارا بوی چنین "تمایلی" را میدهد،

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می‌جنگد!

آنها به شکست انجام می‌دهد و توطئه‌گران با آرایش نظامی به مقر رادیکال نزدیک شده و آنرا آماج حملات خود قرار داده‌اند و حتی ساعت ورود خود را نیز بر اساس ساعت صرف‌پای در مقر انتخاب نموده‌اند. و در مقابل نیز جناح شورایی عالی اعلام می‌کرد که توطئه‌ای در کار نبوده و صرفاً برای اعتراض به اخراجهای پیش از کنگره تحصن به مقر رادیکال آمده‌اند و در شرایطی که فداکاران این نظامی بوده‌اند و بچه‌های خردسال در کنار آنها بوده مورد حمله نیروهای کمیته مرکزی قرار گرفته‌اند. در نتیجه اگر رفق کمی دقت میکردند متوجه میشدند که وظیفه هر "کمیسونی" با هر ترکیبی به هر حال روشن کردن واقعیات برای مشخص شدن ادعاهای طرفین نیلزم می‌باشد و در عین حال هر سازمان انقلابی نیز وظیفه دارد که به هر حال با بررسی وقایعی که اتفاق افتاده است به بررسی ادعاهای طرفین بپردازد و نظر خود را در مورد این ادعاهای روشن سازد. در هر حال تا اینجا باید برای رفق علت طرح مسائلی از این قبیل که چه کسی تدارک حمله را دید چه کسی اول شلیک کرد و غیره در "کمیسون تحقیق" روشن شده باشد. مطابق در افشانیهای با اصطلاح مارکسیستی ارتش‌رها شیخ خلقهای ایران اگر کسی در مورد فاجعه مهلک و کم سابقه ۴ بهمن که منجر به خاک و خون کشیده شد چند تن از نیروهای سازمان اقلیت گردید، جویای این مسئله باشد که "چه کسانی درگیری را آغاز کردند" و

یا "کدامیک از طرفین تدارک حمله مسلحانه را دید" و یا اینکه "چه کسی اولین گلوله را شلیک کرد" متهم به طرح یک بحث "انحرافی" میشود. چه مسائلی که پیش از این معلوم کردیم از نظر رفقای ارتش‌رها شیخ خلقهای ایران تدارک حمله مسلحانه و آغاز درگیری مسلحانه بخشی از افراد یک سازمان درون صف خلق علیه بخش دیگر آن نقض یک اصل و آموزش مارکسیستی نیست که مطابق آن هر کسی باید بداند که شیوه حل تضادهای درون صف خلق قهرآمیز نمی‌باشد. نه مارکسیسم رفقای ارتش‌رها شیخ خلقهای ایران حکم میکند که اگر کسی در جستجوی تعیین تدارک کننده و آغازگر حمله مسلحانه ۴ بهمن نبود متهم به طرح یک بحث "انحرافی" و غیره گردد. حال اگر یک لحظه به "نتایج" و "عواقب" بسیار ناگوار "این موضوع بغایت اپورتونیستی" را نویسندگان اعلامیه و فضل فروشی "مارکسیستی" آنها ببینیم درخواهیم یافت که به این ترتیب در آینه شده و در مبارزات درون تشکیلاتی هر گزایشی میتواند با اتکا به نظرات رفق اشکال سلامت آمیز این مبارزه بی وقفه و اصولی را به برخوردی فیزیکی و درگیریهای مسلحانه همچون فاجعه ۴ بهمن تبدیل کند بدون آنکه هیچ اشکال و ایرادی از لحاظ اصولی بتوان با و وارد دانست چرا که تنها اشکال مبارزه "تغییر یافته" است و گوئی در مارکسیسم هیچ جای برای بررسی علل تغییر اشکال

محتوای آن " (۱) در دادگاه این "انحرافی" می‌باشد. یعنی گروههای شرکت کننده در "کمیسون تحقیق"، "کوشیدند" با طرح یک بحث "انحرافی" یعنی اینکه چه کسانی درگیری را آغاز کردند، یا به عبارت دیگر چه کسانی عامل درگیری بودند، آگاهانه وبد شکل غیراصولی به این مخاصمات دامن زده...." زدادامه این در افشانی ابرار نظر میکنند که: "به اعتقاد ما طرح مسئله به این شکل که کدامیک از طرفین تدارک حمله مسلحانه را دید و یا اینکه چه کسی اولین گلوله را شلیک کرد، یک بحث کاملاً انحرافی است که بیانگر حقا نیت هیچیک از طرفین نمیتواند باشد...."

البته اگر رفق به خود زحمت میدادند و از توی کتابها کمی بیرون می‌آمدند و بررسی به واقعیت فاجعه ۴ بهمن و ادعاهای طرفین درگیر میکردند شاید، البته تاکید میکنیم شاید به این امر ساده و بدیهی پی میبردند که این "کمیسون تحقیق" مورد ادعای رفق و یا هیئت ناظر به کمیسونون تحقیق اتحادیه میهنی نبود که آگاهانه آن بحثهای بزعم رفق انحرافی را دامن زد تا امکان دخالتهای غیراصولی خود را در امور داخلی سازمان اقلیت بوجود آورد بلکه از همان روز اول این جناح کمیته مرکزی بود که اعلام میکرد توطئه‌ای برای تسخیر مقر رادیکال سازمان داده شده است که بوسیله دفاع قهرمانانه



چریکائی نیایدی کدل نه لئین

تسا ریکه کۆنای بی هینای ندری به کسادی نیران چیری دیموکرات و کومهله و بیگ هینای ریکه و سیکه بهره و ام و دیموکراتانه ، بیگ هینای سرکردایه تی هاوبه نه له واری هیره چالکه کانی نا و بزوتنه وهی گهلی کورد .
تی نه کۆنای بی بیگ هینای نه م سرکردایه تی به ، نه واری هیژوتولای خۆمان به ره و بیک شوین و له بیک ستراتیژیکی نییامی دا ، بۆلیدا سی هرجی زیاتری و ژیمی کۆماری نییامی و کۆنای بی هینای ندری نا سۆزنگیرانه تیوان چیری دیموکراتی و کومهله

بهره و بیگ هینای سرکردایه تی هاوبه نه له بزوتنه وهی گهلی کورد
له کهل باوه زمان دا به سرکه و ننی رژیان زمان

چریکائی میدائی گهلی نیران - کوردستان

۶۵/۳/۱۸

تاریخ ۱۱/۳/۶۵

مبارزه " و نقش هویک از درعرف
تضاد در این امر وجود داشته
و ندارد .

بهر حال محتوای اعلامیه
" پیرامون درگیری نظامی ۴
بهمن سازمان چریکهای فدائیان
خلق ایران (اقلیت) و روش
نیروهای سیاسی در قبال آن " که
از طرف رفقای چریکهای فدائیان
خلق ایران (ارتش رها تیبخشش
خلقهای ایران) بعنوان موضع
و دیدگاه آنان درباره فاجعه
۴ بهمن ، یکماه پس از کوران
حوادث مزبور و بدنبال آن حوادث

انتشار یافت ، نشان داد که
این رفقا مطابق با عادت چند
ساله اشان حتی هنگامی هم که
تصمیم به برخورد فعال با مسائل
نموده و ب فعالیتهای دنیای
زنده پیرامون خود نگریستند ،
نه تنها به حقایق و رویدادهای
اتفاق افتاده در این مدت توجهی
ننمودند ، نه تنها " پاسخ مشخصی"
به حوادث مزبور نداده و نشان
دادند که توان گذار از ورطه
کلی گویی در این رابطه را ندارند ،
بلکه با لحن پراکسی برعلیه
نیروها با لقب و تعریف واقعیات
آنها را به دخالت در امور داخلی
سازمان اقلیت متهم کردند ، بدون
آنکه زحمت استدلالهای محکم و
واقعی و قابل قبول را در این
جهت به خود بدهند ، و بدینسان است
که نفعی را کم برای اعلامیه تروژواکی
کوتاه بین و کاسبکار خود در هیئت
یک خرده بررزان در موضع دفاع
از فاجعه خورشید ۴ بهمن
مینشینند و در ضمن با تاشیر از آن
هر حرکت نیروها را در جهت " توطئه
چینی " و ایجاد " اتحادهای

نامقدس " با اهداف حقیر تلاش
یکدیگر و جذب نیرو و ارزیابی
میکند ، غافل از اینکه اینها
توهمات فرصت طلبانه خود است
و کوچکترین ربطی به دنیای
مادی و واقعیات سرسخت زمینی
ندارد .
در خاتمه باید بگوئیم برای پی
بردن به کله مارکسیسم رفقای
ارتش رها تیبخشش خلقهای ایران
ترجیه به مطالبی که این رفقا در
توضیح " جنایت از نقطه نظر
مارکسیسم " و با مفهوم " طبقاتی "
و در رد " نقطه نظر حرق بورژوازی "
جنایت ارائه میدهند ، بیش از هر
چیز سودمند است . مینویسند :
" طبیعی است از نقطه نظر حقوق
بورژوازی که تصور میکنند جنایت
آنجا تی صورت میگیرد که فتلسی
اتفاق دیافتند ... "
" جنایت نمیتواند بدون آنکه
کسی کشته شود و خونی ریخته
گردد بوقوع بپیوندد " سپس
نویسندگان اعلامیه " جنایتی را با
ابعاد و عظمت زیر متصور شده و
ادامه میدهند " مثلاً هنگامیکه

یک سازمان سیاسی کد در راس یک
جنبش قرار دارد با امپریالیسم
سازش میکنند و انقلاب را به ضد
انقلاب تحویل میدهند ، این یک
جنایت آشکار است و لواطیکه در عمل
حتی خون کسی ریخته نشود " عجباً !
براستی در عرصه دنیای مادی
مترادف و نمونه مشخص چنین
مثالی کدامست ؟ و اساساً مصداق
عینی آن جنایتی که در آن حتی
خون کسی ریخته نمیشود را در کجا
باید جستجو کرد . شاید مثال
مورد نظر رفقا از اینک یک
سازمان سیاسی انقلاب را به ضد
انقلاب تحویل داد ، همان معاملهای
باشد که اکثریتی ها با سازمان
چریکهای فدائی خلق نمودند ؟
آیا برعم رفقا در چنین جنایتی
بود که حتی خون احدی ریخته
نشود ؟ آیا عنوان چنین مطالبی
بنحوی گریباً دفاع شرمگینانه
رفقای ارتش رها تیبخشش خلقهای
ایران را از آغاز کنندگان
درگیری ۴ بهمن و یا به عبارتی
از یکی از جناحهای سازمان
اقلیت نشان نمیدهد ؟

گفته‌ها و نگفته‌ها

آذربایجان غربی

مدیرکل اداره اقتصاد آذربایجان غربی در یک مصاحبه گفت میزان وصول مالیات در سال ۶۴ در آذربایجان غربی نسبت به سال قبیل ۳۴٪ افزایش داشته است. این مزدور همچنین گفت: "وصول مالیات مشاغل از ۶۳ میلیون ریال در سال ۶۴ به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال در سال ۶۵ افزایش خواهد یافت و وصول این مبلغ که رقمی در حدود سه برابر سال گذشته است کار بسیار دشواری است."

این اذیت‌ها را بخوبی نشاندهنده ظلم و جوربندی حدی است که به مردم وارد میشود، رژیم جمهوری اسلامی برای تامین بودجه‌های مورد نیازش و برای ادامه جنگ امپریالیستی ایران و عراق به اشکال مختلف به افزایش مالیات‌ها و اخاذی از مردم متوسل شده است. همچنانکه میدانید قسمت عمده

این مالیات‌ها را نیز میبایست کارگران و دهقانان و حقوق بگیران جزء پرداخت نمایند. بنابراین این با توجه به سه برابر شدن مالیات تنها در سال ۶۵ زندگی زحمتکشان مشکلترو غیرقابل

مدتی است که رژیم وابسته جمهوری اسلامی برای تامین هرچه بیشتر بودجه‌های مورد نیازش به افزایش مالیات‌ها پرداخته و به اشکال مختلف مردم را برای پرداختن مالیات تحت فشار قرار داده است.

اخیراً خوند مزدورمانعی در نماز جمعه قم در این باره گفت: "حالا وقت پرداخت مالیات است اما خوب با اخلاق که نمیشود چنین چیزی را حل کرد، اخلاق برای خوبان است، احسان برای مردم توی جیبهاست. جامعه عدل و شلاق میخواهد تا زیانها را بخواند، قانون میخواهد، خشونت میخواهد."

سخنان این مزدور در حالیکه افشاگر چهره جنایتکارانه جمهوری اسلامی است و در حالیکه نشان میدهد جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهدافش در هر حوزه‌ای بایده‌ها و حشیان‌ها ترین سرکوبها متوسل شود در همان حال بیانگر مقام و مت خلقی است که در هیچ حوزه‌ای تن به خواست این مزدوران نداده و همه آنها را مجبور ساخته است که وحشیگری و دناست و جنایات خود را در کوچ و خیابان بنمایند و بگذارند.

تحمل تر از سال قبل خواهد گردید، و سردمداران رژیم که خوب میدانند توده‌های زحمتکش مادر مقابل این بیدادگریها مقاومست نموده و به اعتراض برخوانند خاست از قبل اقرار مینمایند که وصول چنین مالیات‌هایی از مردم کار بسیار دشواری است.

مزدوری بنام عباسی رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در مصاحبه‌ای با مجله پاسدار اسلام گفت: "روحانیون نیز بایده‌ها را می‌دانند سایر مردم صلاحیت آنان مورد تأیید قرار بگیرد" و در ادامه این مصاحبه این مزدور افزود: "حالا یک نفر که خودش از نظر اخلاقی صلاحیت ندارد آموزش هم ببینند چه میشود."

این سخنان بخوبی بیانگر آنست که رژیم غرقه در خون و جنایت جمهوری اسلامی خود را در چنان شرایط ناامنی میبیند که مجبور است حتی مزدوران خودش را که با مصالح برای تبلیغات به نفع رژیم به جیبها اعزام میکند نیز هر لحظه تحت کنترل بگیرد. چرا که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آنچنان رژیم مستبد و دیکتاتوری است که حتی توانائی تحمل مخالفان و آخوندک‌های حوزه علمیه خودش را نیز ندارد.

←

حقی تعیین سرنوشت، حق مسلم و تو دریدنا پذیر خلقهاست

بیانه

دوکیه‌بان سورخه ۶۵/۲/۲۱ تیتر خبری با این عنوان که ۲۸ روستای بیانه از روشنائی برق برخوردار شوند، جلب توجه می‌کند. خواننده با دیدن این تیتر تصور می‌کند که رژیم واقعا در ۲۸ روستای بیانه اقدام به برق کشی نموده است و بقول خودگامی در جهت رفیع محرومیت‌های منطقه بر داشته است. اما وقتی متن خبر را می‌خوانیم متوجه می‌شویم که منظور از ۲۸ روستا، ۲۵ پایگاه نظامی رژیم میباشند که برای سرکوب مبارزات خلق شهرمان کردها ایجاد شده اند و با عنوان خیرروستا چارزده شده است، اما روستائیان محروم و زحمتکش کردستان خوب میدانند که ۸ روستای باقیمانده نیز از روستاهائی است که یکی از ارگانهای سرکوب رژیم در آن مستقر است و در حقیقت رژیم ضد خلقی نه برای اوا کردن سردی از دردهای بی‌شمار مردم محروم کردستان بلکه در جهت آسایش ارگانهای سرکوب خودش است که اقدام به این برق کشی نموده است.

الیگودرز

دوکیه‌بان سورخه ۶۵/۲/۲۱ آمده است: شهرداری الیگودرز از کلیه قسا بازرسان و اربابان هریک مبلغ یکصد هزار ریال بعنوان سپرده

دریافت داشته است تا هر چه بهتر برانجام وظایف محوله آنان نظارت داشته باشد و چنانچه افرادی از این اصناف مرتکب خلافی شود سیزده آنان ضبط و خود آنها تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت. شهرداری مزدور الیگودرز بی شرمی و وقاحت رابه جایی رسانده است که زحمتکشان این شهر را تحت فشار قرار داده و تحت نام نظارت و غیره به اخاذی از آنان میپردازد. این مزدور بی‌شرم قصاص قبل از جنایت میکند تا اگر روزی این کسبه جزء زحمتکش مرتکب باصطلاح خلافی شدند، نه فقط تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند بلکه این سپرده‌ها نیز ضبط گردد. اقدام شهرداری مزدور الیگودرز اوج ناتوانی و زحمت کشی را می‌رساند که برای اخاذی از دسترنج توده‌های رنج دیده میهنمان به چنین شیوه‌هایی دست می‌پازد تا بسا مکیدن خون زحمتکشان میهنمان به عمر ننگین بورژوازی وابسته

حیات هر چه بیشتری ببخشد.

قزوین

اخیرا علی‌رضا نی رئیس کمیته ضد خلقی قزوین در سخنرانی خود در مسجد مهدیه قزوین بی‌شمانه شروع به فحاشی نسبت به اصناف نمود و وقیحانه اعلام کرد که اگر اصناف در رفتار خود تجدید نظر نکنند " ما بدتر از اینک هستیم خواهیم شد " و در ادامه سخنانش مردم را تهدید کرده و گفت: " هر کس با ما مخالفت کند من فقط یک راه برای او میدانم و آن قبرستان است " .

سخنان این مزدور در همان حال که افشاگر چهره جنایتکار جمهوری اسلامی است در ضمن بیان نگرما و مت‌قهرمانان توده‌ها در مقابل این رژیم نیز میباشد، مقاومتی که این مزدوران را واداشته است که بی‌شمانه در تبلیغات خود از قتل و جنایت سخن بگویند و آن رابه رخ توده‌ها بکشند .

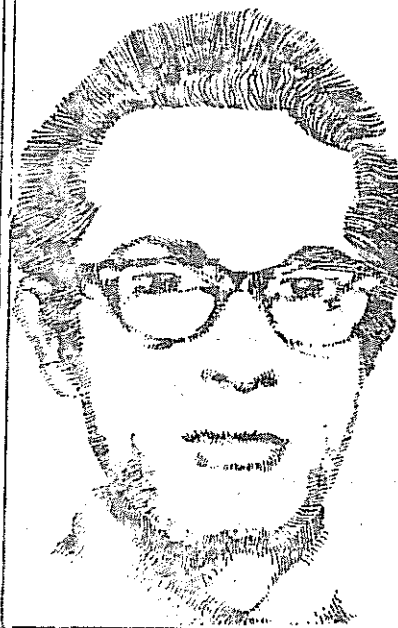


از صفحه ۶

جنگ و آوارگی

میدانند و به اشکال مختلف با آن به مبارزه برمیخیزند ولی این به تنهایی کافی نیست بلکه آنها باید به این مهم نیز پی ببرند که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بنویسه خود رژیمی وابسته به امپریالیسم و حافظ منافذ امپریالیستهاست بنا براین باید این را درک نمایند مشکلات برای از بین بردن تمامی مشکلات و فقر و فلاکت و بی حقوقی با بستن سلطه امپریالیسم در کشور، پایان برداشتن و این تنهایی است جنگ توده‌ای طولانی امکان پذیر است. درک این مطلب به آوارگان جنگی و نمایندگان پیشروان این امکان را خواهد داد که با توجه به رهنمودهای پیشاهنگ انقلابی و مسلح خود سازماندهی لازم را جهت نابود کردن سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و سگ دست نشاندگان جمهوری اسلامی ایجاد نمایند. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است.

خاطره رفیق پویان



سمبل ایمان به کمونیسم

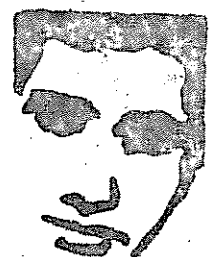
گرامی باد

وسگهای زنجیریش درایسران راه نون را بنیان گذاشتند که امپریالیسم و تمامی توکانش مرگ قطعی خود را در آن می بینند. هراس بورژوازی وابسته و رژیم مزدور شاه از رزم پویان و یارانش در حقیقت بیانگر هراس آنها از رزم طبقه‌ای بوده که تاریخ را دست نابودی نظام پوسیده موجود را بر عهده اش گذاشته است. پرچم پویان و یارانش پرچم کارگرانی است که بی‌باخته اند تا با نابودی ارتجاع، جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر را بنیان نهند. پرچمی که هرگز بر زمین نخواهد ماند.

سوم خرداد سالروز شهادت یکی از بنیان گذاران سازمان، یکی از محبوب ترین چهره های جنبش کمونیستی رفیق کبیر امیر پرویز پویان میباشد. رفیق پویان در سوم خرداد سال ۵۵ به همراه رفیق رحمت الله پیروندیری در نبرد حماسی در خانه تیمی اش در مشرق تهران پس از از پای در آوردن چندین مزدور کثیف به شهادت رسید. خاطره پویان یادآور آن نسلی از کمونیستهاست که با آغاز مبارزه مسلحانه بر علیه امپریالیسم



چریک فدائیان خلق رفیق شهید اسکندر صادق نژاد

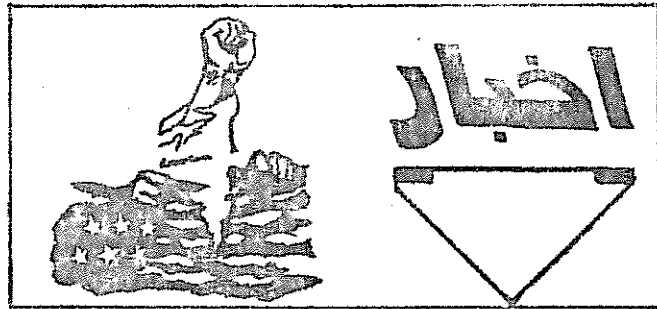


چریک فدائیان خلق رفیق شهید رحمت الله پیروندیری

"تا با توده خویش بی ارتباطیم کشف و سرکوبی ما آسان است" و "برای اینکه باقی بمانیم، جمهورییم تعرض کنیم."

رفیق کبیر امیر پرویز پویان

و تا امپریالیسم و سگان زنجیریش
 رابه زیاله دان تاریخ تریزند
 ازبای نخواهند نشست. آنها
 حمایت ازهم طبقه های خود
 رابه شیوه خود و جدا از انجمنهای
 سرکوبگر اسلامی متحقق خواهند
 ساخت.



تهران

خود رابه سردمداران رژیم و
 امپریالیسم با آوردن

جملاتی از قبیل مسئلت طول عمر
 برای خمینی جلاد، میثاق با
 بنیان گذاران شورادر نظر
 جمهوری اسلامی پیروی از فرامین
 حضرت امام، در اکثر بندها به
 اثبات رسانده اند. و این
 مزدوران قصدا رند با دادن وعده
 و وعیدهای توخالی کارگران را فریب
 داده و از رشد مبارزات کارگران
 جلوگیری نمایند. انجمنها و
 شورا های اسلامی این ارگانهای
 سرکوب کارگری، میکوشند تا در این
 شرایط حساس که سرمایه داری وابسته
 بدون هیچگونه تعهدی کارگران
 را بیکار میکند بجای نشان دادن
 مسئولیت سرمایه داران وابسته
 و دولت حامی آنها در تامین مخارج
 زندگی کارگران بکار با چپاول
 دسترنج کارگران آنها را صرفا
 به ایجاد صندوق حمایت از
 کارگران بیکار تشویق نمایند.
 آنهم تحت نظر انجمنها و شورا های
 اسلامی.

ولی بدون شک کارگران زحمتکش
 ما فریب این مزدوران را نخواهند
 خورد و برای احقاق حق خود و
 ریشه کن کردن سیستم سرمایه داری
 وابسته ایران بپا خواهند خاست

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی
 با توجه به کاهش قیمت نفت و
 کمبود بودجه که بنابه گفته
 علی نقی خاموشی رئیس اطاق
 بازرگانی امکان بیکار شدن
 ۲/۵ میلیون نفر کارگرا بوجود
 آورده است، ازهم اکنون ب فکر
 مهار اعتراضات آینده کارگرانی
 که در این شرایط بیکار میشوند
 افتاده اند. مزدوران لانسه
 کرده در شورا های اسلامی کارخانجات
 تهران با صدور قطعنامه ۱۳ ماده ای
 از کارگران خواسته اند تا به این
 منظور اقدام به تشکیل صندوق
 حمایت از کارگران بیکار نمایند.
 در بنده این قطعنامه آمده
 است که "در شرایط حساس کنونی
 میهن اسلامی که بر اثر توطئه های
 جهانی احتمال بروز آشکالاتی در
 روند موجود واحدهای تولیدی
 می رود الزام حمایت از کارگران
 بیکار ربه بیش از هر زمان دیگری
 احساس میشود. لذا شرکت فعال
 کلیه کارگران مسلمان ایران
 اسلامی در جهت تشکیل و تقویت
 صندوق حمایت از کارگران بیکار
 را امری حیاتی میدانیم".
 مزدوران انجمن اسلامی نوکسری

بوشهر

با بالا گرفتن بحران در نظام
 سرمایه داری وابسته ایران موج
 اخراجهای دسته جمعی کارگران
 کارخانجات ایران را فرا گرفته
 است در این رابطه اخیرا ۴۰۰ نفر
 از کارگران پیمانی نیروی
 دریایی بوشهر از کار اخراج
 شدند و به ارتش میلیونی بیکاران
 پیوستند.

فارس

در تاریخ ۶۵/۲/۲۱ عده ای از
 زحمتکشان روستای قوج از توابع
 لارستان فارس که از جو و سوخته
 جمهوری اسلامی جانشان به لب
 رسیده است، در جاده قوج -
 گنדרه به کمین مزدوران میشینند.
 پس از مدتی عده ای از پاسداران
 مزدور رژیم به کمین این
 زحمتکشان عاصی شده می افتند.
 در نتیجه درگیری بین پاسداران
 و زحمتکشان روستای قوج فرمانده
 مزدور سپاه پاسداران گنדרه
 از صحنه متواری میگردد و درگیری
 با کشته شدن یک پاسدار و مجروح
 گشتن پاسدار دیگری پایانی



گرامی باد

خاطره رفیق شهید

"نادر شایگان شاماسبی"
که در پنجم خرداد سال ۵۲
در نبرد قهرمانانه بر
علیه سلطه امپریالیسم به
شهادت رسید.

گلگاه مازندران

همانطور که میدانیم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای اخاذی هرچه بیشتر از توده ها اقدام به نصب صندوقهای با صلاح خیرات در نقاط مختلف شهرها کرده است. برای نمونه تنها در شهرستان کوچکی چون گلگاه و چندروستای تابعه آن تعداد این صندوقهای گدائی به ۲۵۰ عدد میرسد.

تهران

چندماه است که سرایدارها و نظافتچی های مدارس تهران که از حقوق بگیران جزء دولت تلقی میشوند حق اضافه کاری خود را دریافت ننموده اند.

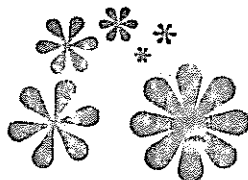
این زحمتکشان هر روز پیس از اتمام کار مدارس بمدت چند ساعت به نظافت مدارس میپردازند و در قبال آن رژیم مبلغ ناچیزی به آنان پرداخت می نماید اما چند ماه است که رژیم مزدور خمینی تحت عنوان کمبود بودجه از پرداخت همین حق ناچیز نیز خودداری نموده است.

فراری، تبلیغات دروغی - رفتن مزدور را پیش از پیش آشکار میکنند که در رابطه با ستاد پشتیبانی از جنگ گفت بعلت پشتیبانی بیش از حد مردم، ما مجبور شدیم برای برنامهریزی در فرستادن افراد، ستاد پشتیبانی از جنگ را بوجود آوریم. باین ترتیب سخنان سرهنگ رزمجو مزدور که از سواستقبال برزبان رانده شده نشان دهنده این واقعیت است که تمام ادعاهای نوکران امپریالیسم در رابطه با استقبال مردم از جنگ پوچ میباشد و رژیم ناچار است برای تامین نیروی انسانی برای جبهه های جنگ از زور سرنیزه استفاده نموده و آشکارا از دستگیری جوانان برای اعزام به جبهه ها صحبت کند.

دورود

جریمه گرفتن از رانندگان یکی از شیوه های اخاذی از توده ها است که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علاوه بر تمامی شیوه های که برای اخاذی از توده ها بکار میگیرد از آن استفاده میکند.

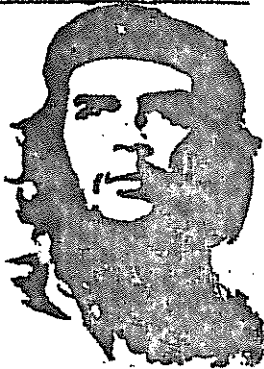
در همین زمینه در سال گذشته در شهرستان دورود مبلغ ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال از رانندگان این شهر جریمه گرفته اند که تازه این مبلغ بدون احتساب جرائم رانندگان بدون گواهینامه میباشد.



می یابند. این درگیری که نشاندهنده حدت نفرت و انزجار توده ها از رژیم جمهوری اسلامی است و تاکنون بارهای بار در روستاهای گشمان اتفاق افتاده است در ضمن نشاندهنده این مسئله هم هست که توده ها به این امر پی برده اند که جواب گلوله را با بیدبا گلوله داد و این مزدوران را با بیدبا قدرت سلاح به گورستان فرستاد.

تهران

سرهنگ رزمجو رئیس اداره نظام وظیفه طی بخشنامه ای از کلیه نهادهای سرکوبگر رژیم از قبیل شهربانی، سپاه، بسیج و کمیته ها خواسته است تا افراد مشمول فراری را شناسایی، دستگیر و به حوزه های نظام وظیفه معرفی نمایند. بر این اساس این نهادهای سرکوب با اعلام شماره تلفنهای از مردم خواسته اند افراد مشمول فراری را معرفی نمایند. این درخواست عا جزانه در زمانی صورت میگیرد که دیگر سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تبلیغات خود اینطور جلوه میدهند که توده های میابونی به ندای با صلاح رهبران در رابطه با شرکت در جنگ پاسخ مثبت داده و با راهپیمائی های خود آمادگی خود را برای رفتن به جبهه ها اعلام نموده اند. خواست رئیس اداره نظام وظیفه مبنی بر شناسائی و دستگیری افراد مشمول

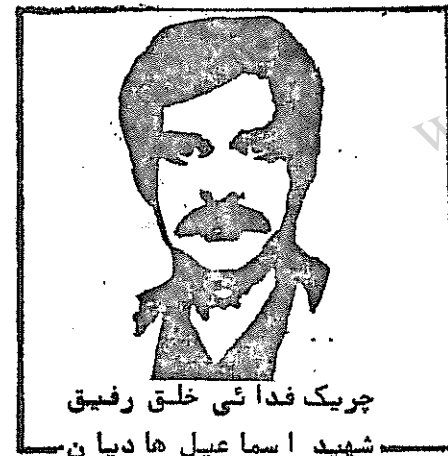


یاد چه گوارا

چریک قهرمان گرامی باد!

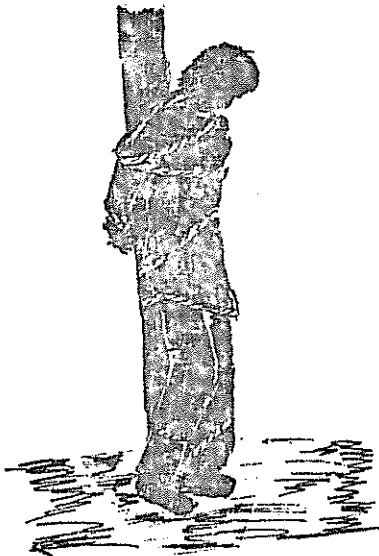
در آرژانتین بدنیا آمد ، در کوبا جنگید و در بولیوی به شهادت رسید .
این سیمای مارکسیست - لنینیست قهرمانی است که با تمام وجود خود به انقلاب و انترناسیونالیسم پرولتری ایمان داشت .

و برای بار دوم ۴ انگشت پای چپ و برای بار سوم زندان ابد و در صورت سرقت در زندان مـرگ تعیین فرموده است .
سردمداران رژیم با درج چنین



چریک فدائی خلق رفیق

شهید اسماعیل هادیان



اباطیلی در روزنامه هاسعی دارند چنان فضای رعب و وحشتی در دل توده ها بوجود آورند که قادر به اعتراض نباشند و مزدوران بتوانند براحتی سیاستهای امپریالیستی خود را در ایران پیاده کنند . علاوه بر این نوکسران امپریالیسم بدین وسیله عامل اصلی سرقت و دزدی ناشی از فقر و فلاکت را که همانا نظام سرمایه داری وابسته ایران میباشد از توده ها پنهان می نمایند ولی خلقهای ایران بخوبی میدانند که تا نظام سرمایه داری وابسته در ایران وجود دارد ، فقر و فلاکت ، دربدری و بدبختی وجود خواهد داشت و همچنین تحت این نظام ظالمانه همواره کسانی خواهند بود که مجبورند برای گذران زندگی به دزدی روی بیاورند . همه این بدبختی ها تنها هنگامی

←

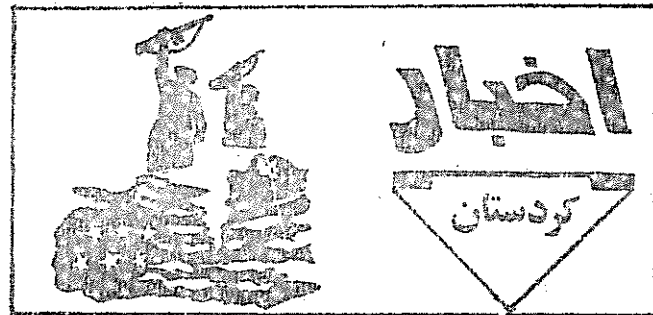
میید

اخیرا عده ای از متنفذین محلی در میبید تحت حمایت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اقدام به احداث چاه آب نموده اند و این امر باعث گردیده که سایر چاه های آب مردم خشک شده و اهالی بسا کمبود شدید آب مواجه گردند .

این مسئله باعث ناراضی شدیدا اهالی شده و آنها با ارسال نامه به مسئولین استان یزد و شهر میبید اعتراض خود را به این وضع اعلام نموده و ضمن اعلام این مطلب که در چند سال پیش نیز بر سر حفر چاه درگیری شدیدی پیش آمد که باعث کشته شدن یکی از جوانان میبید گردید از مسئولین خواسته اند که به این امر رسیدگی کنند و گرنه عدم دخالت آنها باعث ایجاد درگیریهای دیگری خواهد گشت .

تهران

سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی که با وقاحت و بیشرمی تمام جنایات و اعمال مشمئز کننده و تنفر انگیز خود را در همه جا بسه نمایش میگذارند ، اخیرا با شدتی بیش از گذشته به طرح مسائلی مربوط به قصاص میپردازند . در این رابطه روابط عمومی پلیس قضائی تهران در مورد قطع دست سارقین توضیحی بدین مضمون داد : "خداوند بزرگ برای حیات جامعه و حفظ امنیت آن حد سرقت را در بار اول قطع ۴ انگشت دست راست



پیرانشهر

مزدوران ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی اهالی مناطق بردنسه، لاجان و پیران را تحت فشار قرار داده اند که اسلحه رژیم را بر داشته و از روستای خود در قبال تعرضات انقلابی پیشمرگان قهرمان خلق کرد، حفاظت نمایند. اما اهالی روستاهای مزبور بینه مقابله با این اقدام ارتجاعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برخاستند و اعلام نمودند که هیچگاه اسلحه رژیم را بدست نخواهند گرفت و هرگز به پیشرفت سیاست ردیلانده و ضد انقلابی جهت سرکوبی پیشمرگان تن نخواهند داد.

سردشت

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اهالی روستای سوره چوم و قلعه رشه را تحت فشار گذاشتند تا روستاهایشان را ترک کنند تا بدینوسیله اهداف پلید و ضد خلقی خویش که همانا قطع رابطه بین پیشمرگان و خلق کورد می باشد را عملی سازد و جنبش ضد امپریالیستی خلق کرد را هرچه بیشتر تضعیف نماید. ولی مردم این روستاها در مقابل

اجرای این سیاست به مخالفت برخاسته و با مقاومت و اعتراضات خود، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در پیشبرد و عملی ساختن اهداف ارتجاعی اش ناکام گذاردند.

بوکان

اخیرا مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی روستاهای خسار، بوغداکندی و ترکمان کنندی را تحت فشار گذاشتند تا آنان را وادار نمایند که اسلحه رژیم را برداشته و از رفتن و آمدن پیشمرگان به روستا جلوگیری نموده و مزدوران رژیم را محافظت نمایند. اما اهالی روستاهای مزبور جهت اعتراض به این سیاست ارتجاعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مقابل شهرداری و اطلاعات سپاه پاسداران بوکان تجمع نموده و بینه جیره خواران امپریالیسم اعلام کردند که هرگز در مقابل چنین سیاستهای ردیلانده ای سر فرود نخواهند آورد.

بانه

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی همواره مذبحخانه تلاش نموده است تا مبارزات ضد

امپریالیستی خلق کرد را درهم شکسته و سلطه سپاه و منفی‌سور خود را در تمامی نقاط کوردستان بگسترانند. به همین دلیل رژیم ضد خلقی برای جدائی انداختن بین خلق آزاده کرد و پیشمرگان دلیروجان بر کفش به سیاست کپیوچ اجباری متوسل شده و اخیرا به اهالی روستاهای مرزی بانه اخطار داده که طی ۱۰ روز آینده منطقه و محل سکونت خود را ترک کنند. امری که باعث خشم و نفرت توده ها شده و بدون شک با مقاومت برحق آنها مواجه خواهد گشت.

سقز

اخیرا رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی کامیونداران شهر سقز را تحت فشار قرار داده و بینه آنان اعلام نموده یا با بینه جیره خواران برونشهری یک ۱۵۰ هزار تومان پول در قبال نرفتن به جیره خواران امپریالیسم بپردازند.

بمباید

در تاریخ ۶۵/۲/۴ مزدوران با بیکاه حاجی حسن در منطقه شامات صهباد شانه روستای "قلان" را محاصره کردند و ضمن تفتیش و بازرسی خانه های مردم عده ای از والدین جوانانی که به سر بازی نرفته بودند را دستگیر نمودند.

پیرانشهر

اشنویه

پیرانشهر

در شرایطی که در ایران فقر و فلاکت، بیکاری و افزایش روزافزون قیمت ما یحتاج زندگی در اشد حفظ نظام پوسیده سرمایه داری وابسته و تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق بیداد میکنند، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای پرکردن هرچه بیشتر جیب گشاد سرمایه داران وابسته به هروسيله‌ای متوسل میشود تا از توده‌های ستمدیده میهنمندان اخاذی نماید :

مریوان

اخیرا مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی دکانداران پیرانشهر را تهدید کرده اند که یا بایده جبهه‌های مرگ ونیستی برونند یا میانسه مبلغ ۴۰ هزار ریال از دسترنجشان را بعنوان کمک به جبهه‌ها بپردازند .

و در ادامه همین سیاست اخاذی از توده‌ها ، دانش آموزان مدارس پیرانشهر را مجبور ساخته اند که مبلغ ۲۰ ریال پول نقد و یک گونی خالی جهت ارسال به جبهه‌ها بپردازند .

سنقر

جیره خواران وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از دانش آموزان روستاهای شهرستان سنقر بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰ ریال برای کمک به جبهه‌های جنگ با اصطلاح حق علیه باطل اخاذی نموده اند .

اخیرا مزدوران جمهوری اسلامی از طریق شوراها ی ارتجاعی و ضد خلقی اسلامی ، مردم زحمتکش روستاهای شراشنویه را تحت فشار قرار داده اند و تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق مبلغ یک میلیون و ۵۱ هزار ریال از آنان به اخاذی پرداخته و بدین وسیله دارائی ناچیز روستائیان را غارت کرده اند .

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در چارچوب سیاست ارتجاعی تداوم جنگ خانمانسوز ایران و عراق و برای تامین نیروی مورد نیاز جبهه‌های جنگ اخیرا دست به تعطیل مدارس پیرانشهر زده است ، تادانش آموزان و معلمان مدارس را روانه جبهه‌های مرگ سازد .

پیرانشهر

در روزهای ۱۲ و ۱۱ خرداد هواپیماهای عراقی شهر پیرانشهر و روستاهای اطراف آنرا بمباران کردند که باعث کشته شدن ۱۱ نفر گردید . در این حمله هواشلی بخصوص خسارات زیادی به روستای بوندره وارد گشت . شهر پیرانشهر در جنگ ایران و عراق از جمله شهرهایی است که همواره بطور وحشیانه مورد بیورش هواپیماهای عراق قرار گرفته است . حملاتی که همواره با کشته شدن مردم بیگناه همراه بوده است . زمانی خمینی جنگ را برکت نامید و حال اهالی پیرانشهر روزمره مفهوم برکت را از نظرایین سگ زنجیری درک میکنند .

برای وصل ارتباط با سازمان

رفقای همادار ! به پایگاه چریکهای فدائی خلق ایران

در کردستان قهرمانان را بجهت نامید



شهادت خرداد ماه چریکهای فدائیان خلق ایران

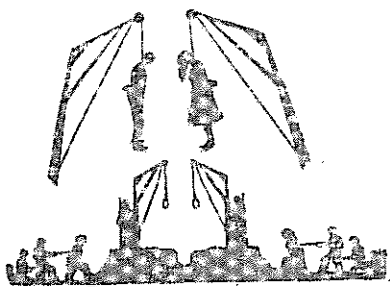
" هزاران هزار شهید ، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند ، بگذارد درفش آنها را برافرازیم و
در راهی که با خون آنها سرخ شده است ، به پیش رویم !"
(ما توتسه دون)

روزشمار خرداد ماه

۱۳۵۱/۳/۴ - شهادت محمد حنیف نژاد
وسعید محسن و اصغر بدیع زادگان
و محمود مسگری زاده ، و رسول
مشکین فام از رهبران سازمان
مجاهدین خلق ایران
۱۳۵۲/۳/۲۵ - شهادت رضا رئیسی
از اعضای مرکزیت مجاهدین خلق
۵۸/۳/۹ - سرکوب خلق عسری بدر
چهارشنبه سیاه به سردمداری مدنی
مزدور
۱۳۵۹/۳/۱۵ - حمله به
خوابگاههای دانشجویی در ادامه
توطئه با مصلح انقلاب فرهنگی
۶۰/۳/۳۰ - تظاهرات خونین مردم
تهران
۱۳۶۰/۳/۳۱ - شهادت شاعر معاصر
فدائیان خلق سعید سلطانی
۱۳۶۰/۳/۳۱ - شهادت محسن فاضل
از اعضای سازمان پیکار
۱۳۶۲/۳/۱۳ - اعدام وحشیانه ۵۹
تن از مردم مهاباد
۱۳۳۰/۳/۲۹ - اجرای قانون خلق
پیدا شرکت نفت ایران و انگلیس
توسط حکومت دکترا مصدق

۷- خرداد مطابق با ۱۸۲۱/۵/۲۸ -
شکست کمون پاریس و تیربازی آنان
کموناردها
۱۲۹۹/۳/۱۲ - اعلام جمهوری کیلان
۱۳۱۰/۳/۱۰ - تصویب قانون سند
کمونالیستی معروف به قانون سیاه
توسط رضا خان پهلوی
۲۶- خرداد مطابق با ۱۶ ژوئن
۱۹۲۸ - تولد ارشد توجه گوارا انقلابی
کبیر در آرژانتین
۲۵ - خرداد مطابق با ۱۵ ژوئن
۱۹۲۸ - اشغال فلسطین
۱۹- خرداد مطابق با ۹ ژوئن
۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جبهه
خلق برای آزادی عمان (ظفار)
۱۵- خرداد مطابق با ۵ ژوئن
۱۹۶۹ - تأسیس دولت موقت انقلابی
خلق ویتنام جنوبی
۱۳۳۷/۳/۲۴ - اعتصاب کارگران
کوره پزخانه
۲۲/۳/۱۵ - قیام خونین مردم
۱۳۴۹/۳/۲۹ - شهادت مهندس حسن
نیک داودی اولین شهید چریکهای
فدائیان خلق ایران
۵۰/۳/۳ - شهادت امیر پرویز پویان
از بنیان گذاران چریکهای فدائیان
خلق و رفقا اسکندر صادقی نژاد
و رحمت الله پیروندیری

رفیق شهید حسن نیک داودی ۴۹/۳/۲۹
رفیق شهید امیر پرویز پویان
۵۰/۳/۳
رفیق شهید اسکندر صادقی نژاد
۵۰/۳/۳
رفیق شهید رحمت الله پیرو
۵۰/۳/۳
رفیق شهید پرویز دهقانی ۵۰/۳/۹
رفیق شهید حسن محمودی همدانی
۵۱/۳/۳۱
رفیق شهید علیرضا شهاب زسوی
۵۴/۳/۲۸
رفیق شهید حبیب برادران خسرو
شاهی ۵۳/۳/۱۱
رفیق شهید حسین سلحی ۵۴/۳/۲۸
رفیق شهید خسرو شهگل ۵۴/۳/۲۸
رفیق شهید مریم شاهی ۵۵/۳/۵
رفیق شهید مینا طالبزاده ۵۵/۳/۸
رفیق شهید علیرضا رحیمانی
علی آبادی ۵۵/۳/۳۱
رفیق شهید حسین موسی دوست
دموچالی ۵۵/۳/۳۱
رفیق شهید رفعت معصاری بنجاب
۵۷/۳/۶
رفیق شهید سلیمان بیوست
حاجی محله ۵۷/۳/۶
رفیق شهید اسماعیل هادیان
۶۰/۳/۷
رفیق شهید جواد باقری ۶۰/۳/۲۶
رفیق شهید مختار نیک نژاد ۶۲/۳/۱۷
رفیق شهید حمید میرشکاری ۶۲/۳/۲۰
رفیق شهید رضا زارع ۶۲/۳/۲۳



بیاد تمامی
شهیدای گمنام

بقیه اخبار کردستان

سنندج

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز جبهه های سرگ و نیستی، و در نتیجه تسد اوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق مدتهاست که به سیاست ضد خلقی سربازگیری اجباری ابعاء، رچه وسیعتری داده است و بر همین اساس است که اخیرا روستاهای اطراف شهر سنندج مورد تیرش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای دستگیری و اعزام جوانان به جبهه های جنگ قرار گرفت.

رژیم اهالی این منطقه راتحت فشار قرار داده تـ فرزندان شان رابه جبهه ها گسیل دارند. اما مردم زحمتکش این منطقه در برابر خواستهای ضد خلقی مزدوران رژیم به مقاومت برخاسته اند.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جهت درهم شکستن مقاومت روستائیان و به تمکین واداشتن آنان به اشکال مختلف به اذیت و آزار روستائیان پرداخته اند بطوریکه روستای سرهویه از بخش زاوود رابه مدت چند روز محاصره کرده و مردم را از رفتن به مزارع منع نموده و از رفتن احشام اهالی برای چرایه صحرا جلوگیری نمودند.

در همین رابطه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با زور و فشار در روستای نی تعدادی از جوانان روستا را بسور مسلح کردند.

گرامی باد خاطره شهدای ۳۰ خرداد

۳۰ خرداد بیانگر جلوه ای از مصاف انقلاب و ضد انقلاب و بیانگر سببیت رژیم است که با جنایات وحشیانه خود در این روز بار دیگر بر این حکم تئوری مبارزه مسلحانه مهر تا شید زد که در شرایط سلطه امپریالیسم و بسور ژوازی وابسته هیچ حقی از تعرض قدرت دولتی مسمون نمیشد.

خون شهدای ۳۰ خرداد یکبار دیگر بذرایین آگاهی را افشاند که تنها راه رسیدن به آزادی مبارزه مسلحانه است

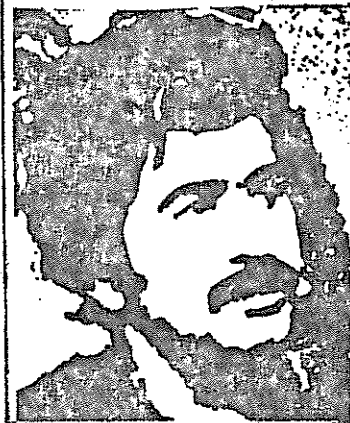
وابسته به امپریالیسم رژیم شاه مبارزات کارگران کوره پزخانه شد و دهها کارگر بوسیله مزدوران رژیم شهیدگشته و تعداد زیادی مجروح و یا زندانی شدند ولی این مبارزات تا شیرا انقلابی خود را در رشت آگاهی و تجربه طبقه کارگر بجای نهاد و بعضوان صفحه درخشانی از مبارزات کارگری پا برجا ماند.

پیمان مبارزات کارگران کوره پزخانه

۲۲ خرداد یادآور مبارزات ۳۰۰۰۰ کارگر کوره پزخانه های تهران میباشد که در سال ۱۳۳۸ در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار روزندگی شان و بخاطر بهبود شرایط کار بطور یکپارچه دست به اعتصاب زدند. اگرچه با توجه به ماهیت ضد کارگری و

گرامی باد خاطره

شاعر انقلابی سعید سلطانپور



این بذرها به خاک نمی ماند
خون است و...
ماندگار...

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در مورد عملیات مین گذاری منطقه سویسنایتی سردشت

خلقهای قهرمان ایران !
جهت وارد آوردن ضربات نظامی
بدشمن ضد خلقی و درهم شکستن
روحیه مزدوران مستقر در کردستان
در تاریخ ۲۴ و ۲۶ اردیبهشت ماه
پیشمرگان چریکهای فدائی خلق
ایران بهمراه پیشمرگان سازمان
کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
بیک رشته عملیات مین گذاری
در دو جاده نظامی (مردآوه - آلو اتان
و جاسوسان - کنه میشکه) منتهی
به دو پایگاه مزدوران جمهوری
اسلامی اقدام نمودند .
مشروح این عملیات به ترتیب زیر
است :

۱- در تاریخ ۶۵/۲/۲۴ یکدهسته
از پیشمرگان چریکهای فدائیی
خلق ایران بادهای از پیشمرگان
سازمان کارگران انقلابی ایران
صفحه ۱۳

حزب دمکرات و جبهه دمکراتیک ضد امپریالیستی !!

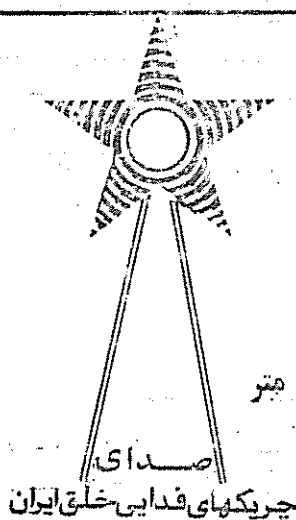
در شماره ۱۱۴ کردستان، ارگان
کمیته مرکزی حزب دمکرات
کردستان ایران (اردیبهشت
۶۵) مقاله ای تحت عنوان
ضرورت تشکیل جبهه دمکراتیک
ضد امپریالیستی درج شده، در این
بقیه در صفحه ۱۹

دفاع شرمگینانه از فاجعه ۴ بهمن (۲)

اتهام زنی و دروغپردازی خود را
اما قهرمانان کلی گوئی و
اتهام پراکنی نه تنها هیچگونه
جواب روشنی برای این گونه
سوالات ندارند بلکه با صدور
پرطمطراق چنین حکم کلی و نارویشی پاسخ
در حقیقت همان روحیه و تمایل
بقیه در صفحه ۷

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
با یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی بکشید



ساعات پیش
۶/۵ بعد از ظهر و
۱۲ ظهر روز بعد
امواج کوتاه
ردیف های ۴۱ و ۲۵ متر

صدای
چریکهای فدائی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:



انگلستان فرانسه

F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

بوقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر!